

## چکیده

**هدف:** هدف از این مقاله بررسی نقش و جایگاه شیلات شمال در مناسبات ایران و روسیه در عصر قاجار است.

**روش/ رویکرد پژوهش:** در این روش توصیفی - تحلیلی و با تکیه بر اسناد آرشیوی و منابع به‌جای مانده دوره مورد نظر، به بررسی وضعیت شیلات شمال پیش از واگذاری آن به لیانازوف‌ها و پیامدهای واگذاری این امتیاز و برخورد اهالی صیاد شمال در این ارتباط پرداخته است.

**یافته‌ها و نتایج:** دریای خزر همواره در طول تاریخ هم از حیث پل ارتباطی و هم از نظر اقتصادی، تأثیر عمیقی بر اقوام و ملت‌های منطقه و فرامنطقه داشته است. شیلات شمال ایران در عصر قاجار بیش از پیش مورد توجه قرار گرفت و جایگاه ویژه‌ای در مناسبات ایران و روسیه داشت. بعد از واگذاری شیلات به میرزا حسین‌خان سپهسالار، قراردادی را با استپان لیانازوف و شرکایش امضا کرد و شیلات شمال را در اختیار آنها قرار داد. شیلات شمال هم برای دولتمردان و هم برای آن دسته از مردمانی که شغل آنها صیادی بوده و از این راه امرار معاش می‌کردند، نقش حیاتی داشته است.

### کلیدواژه‌ها

ایران، عصر قاجار، روسیه تزاری، شوروی، روابط تجاری، دریای خزر، شیلات شمال، میرزا حسین‌خان سپهسالار، لیانازوف.

# پژوهشی بر جایگاه شیلات شمال در مناسبات ایران و روسیه

در عصر قاجار با تکیه بر اسناد آرشیوی  
(۱۲۴۳-۱۳۴۵ ق. / ۱۸۲۸-۱۹۲۶ م.)

سیدرحمان حسنی<sup>۱</sup>

## مقدمه

دریای خزر با توجه به موقعیت ویژه‌اش، همواره از ابعاد مختلف، اقتصادی و ارتباطی حایز اهمیت بوده و هست. تنوع آبزیان و ماهیان، باتوجه به پوشش گیاهی موجود در این دریا، رودخانه‌های شیرین همراه با رسوبات و مواد آبرفتی، این دریا را به محیط زیستی مناسبی برای انواع جانوران تبدیل کرده است. این مهم در سواحل ایران چشم‌گیرتر و قابل ملاحظه است. به طوری که ما شاهد انواع ماهیان، به‌خصوص ماهیان خاویاری در این منطقه بودیم و هستیم. و این امر، ساحل ایران را، به ساحل خاویاری معروف کرده است.

شیلات شمال با وجود دریای خزر و گوناگونی رودخانه‌های بزرگ و کوچک و تنوع ماهیان موجود در آن، همواره توجه اهالی منطقه را به خود جلب می‌کرده است. این مهم به لحاظ اقتصادی در زندگی منطقه و فرمانطقه و حتی در سطح ملی و بین‌المللی اهمیت حیاتی داشته است. این موقعیت اقتصادی منحصر به فرد در ارتباط با شیلات سبب گردیده ملت‌های هم‌جواری دریای خزر به آن توجه ویژه داشته باشند.

در طول دوران گذشته به‌خصوص از زمان صفویه (۹۰۷-۱۱۳۵ ق. / ۱۵۰۱-۱۷۲۲ م.) به بعد به دریای خزرهم، به عنوان یک منبع اقتصادی (شیلات)، و هم به عنوان پل ارتباطی نگریسته می‌شد. هم‌جواری روس‌ها با ایران و حضور چشم‌گیر و فعال آنها، شیلات شمال را بیش از پیش متاثر کرد. از زمان انعقاد قرارداد ترکمانچای (۱۲۴۳ ق. / ۱۸۲۸ م.)، و ضمیمه

۱. دانشجوی دکتری تاریخ در انستیتو شرق شناسی و میراث خطی آکادمی علوم جمهوری تاجیکستان  
HASSANI.SEYEDRAMAN@  
GMAIL.COM



تجاری آن، به تدریج شیلات شمال پررونق‌تر از گذشته جلوه‌گر شد. حضور گسترده مستاجران روسی و در کنار آن ایرانی از زمان محمدشاه قاجار (۱۲۵۰-۱۲۶۴ق. / ۱۸۳۴-۱۸۴۷م.) قابل ملاحظه است.

تا زمان واگذاری شیلات شمال به میرزا حسین‌خان سپهسالار، صدراعظم ناصرالدین شاه (۱۲۶۴-۱۳۱۳ق. / ۱۸۴۷-۱۸۹۵م.)، شیلات شمال وضعیت ناهمگونی داشت. در قراردادهایی که میان مستاجران با دولتمردان قاجار منعقد می‌شد، حضور روس‌ها نمود بیشتری داشت. این امر ناشی از این واقعیت بود که روس‌ها وسایل و امکانات صیادی بیشتری داشتند. چرا که خود سازنده و تولیدکننده آن بودند. از طرف دیگر میزان اجاره آنها از مستاجران ایرانی بالاتر بود. میرزا حسین‌خان سپهسالار در تنظیم و تنسيق شیلات شمال، تلاش وسیعی را انجام داد. بعد از واگذاری شیلات به او، قراردادی را با استپان لیانازوف و شرکایش امضا کرد، و شیلات شمال را در اختیار آنها قرار داد. بعد از برکناری میرزا حسین‌خان سپهسالار، ناصرالدین شاه آن را به پسرش کامران میرزا سپرد و او هم‌آن را طی قراردادی به استپان لیانازوف واگذار کرد. این امتیاز از زمان واگذاری آن به لیانازوف‌ها تا خاتمه و سرانجام واگذاری آن به شوروی، بارها تمدید شد. در دوران تصدی وسلطه لیانازوف‌ها بر شیلات شمال، اختلافات و درگیری‌های زیادی میان صاحبان امتیاز و اهالی شمال بر سر صید و صیادی بوجود آمد. این امر پیامدهایی را به دنبال خود داشت. به ویژه اینکه دولتمردان روسیه در همه موارد اختلاف، حمایت همه جانبه‌ای از لیانازوف‌ها داشتند. اسناد و مدارکی که در این تحقیق بدان اشاره می‌گردد؛ گویای چنین وضعیتی است.

هرچند در مورد شیلات شمال، پژوهش‌های گوناگونی انجام شده است؛ اما بیشتر آنها در قالب قراردادهای به موضوع مذکور پرداختند. آثار مروین.ل.انتتر، چارلز عیسای، ویلهم لیتن، ابراهیم تیموری و فریدون آدمیت قابل ملاحظه هستند. در این تحقیق سعی شده از دیدگاه اقتصادی و تاثیرگذاری بر مناسبات ایران و روسیه بدان پرداخته شود. تکیه اساسی تحقیق حاضر بر اسناد آرشیوی وزارت امور خارجه ایران است. با توجه به مباحث مذکور روس‌ها همواره به شیلات شمال توجه ویژه داشتند. این مهم با حضور لیانازوف‌ها در عرصه شیلات وارد مرحله‌ی جدیدی شد. بنابراین در این تحقیق سعی می‌گردد، با تکیه بر اسناد و منابع به جای مانده از دوره تحقیق از یک طرف، و شیلات شمال و وضعیت آن پیش از واگذاری آن به خانواده لیانازوف‌ها پرداخته شود؛ از طرف دیگر به چگونگی واگذاری آن به لیانازوف‌ها، سرمایه‌گذاری آنها در شیلات شمال و پیامدهای واگذاری این امتیاز و برخورد اهالی صیاد شمال، در این ارتباط اشاره می‌شود؛ و سرانجام به نقش و موضع دولت روسیه در این زمینه و خاتمه امتیاز و واگذاری آن به دولت شوروی پرداخته خواهد شد.



## شیلات شمال پیش از واگذاری به لیانازوفها

یکی از اقلام صادراتی ایران از طریق دریای خزر، انواع ماهیان به‌ویژه ماهیان خاویاری و خاویار بوده است؛ که به روسیه و اروپا صادر می‌گردید. دریای خزر با بهره‌گرفتن از آب‌های ورودی‌اش و رسوباتی که از این راه وارد آن می‌شود. محیط مساعدی را برای افزایش پلانکتون‌های گیاهی، جانوری، نرم‌تنان، سخت‌پوستان و ماهیان بوجود آورده است. وفور بی‌مهره‌گان و مهره‌داران کوچک باعث گردیده که این دریا به ویژه بخش جنوبی آن (ایران)، به چراگاه وسیعی برای خوراک و افزایش و رشد ماهیان بزرگ همانند ماهیان خاویاری تبدیل گردد (مفخم بایان، ۱۳۷۵، ص ۳۴۲). ماهیان مختلفی از انواع استخوانی و غضروفی در این دریا می‌زیستند که در حیات اقتصادی مردم منطقه تاثیر خاصی از گذشته‌های دور تا به حال داشته است. نظیر کیلکا، تاس ماهی، سفید، سیم، سوف، کپور، کفال و به‌ویژه ماهیان خاویاری مانند استروژن و اوزون برون.

شیلات شمال ایران همواره مورد توجه اقوام حاشیه‌نشین و ساحلی بحرخرز بوده است. کلمه شیلات (شیل) خود گویای حضور فعال اهالی منطقه در زمینه صید و صیادی می‌باشد. شیلات از شیل گرفته شده و شیل عبارت است از سدی که برای صید ماهی در عرض رودخانه از چوب درست می‌کردند. اما امروزه به شرکتی گفته می‌شود که کارش، صید و توزیع و فروش ماهی‌ها می‌باشد (معین، ۱۳۸۲، ج ۲، ص ۱۴۸۷). به عبارت دیگر این لغت در گیلان و مازندران مصطلح بوده و آن عبارت بود از سدی که از نی و چوب و شاخ و برگ درختان در پهنای رودخانه توسط مردم مناطق فوق درست می‌شد و ماهیانی را که برای تخم‌ریزی به رودخانه‌های شیرین وارد می‌شدند، صید می‌کردند (بریمانی، ۱۳۲۶، ص ۳۸؛ تیموری، ۱۳۳۲، ص ۲۷۴).

از آنجایی که عمیق‌ترین قسمت دریای خزر در سواحل ایران است؛ و نیز به واسطه تعدد رودخانه‌های آب شیرین که به این دریا می‌ریزد، و نیز به دلیل آب و هوای معتدل آن، صید ماهی در این قسمت نسبت به دیگر مناطق از امتیاز خوبی برخوردار بود، به طوری که بیشترین ماهی در نواحی ایران (کرانه جنوبی دریای خزر) صید می‌شد (رائین، ۱۳۵۰، ج ۲، ص ۷۶۶؛ تیموری، ۱۳۳۲، ص ۲۷۴).

با حضور گسترده تجار و بازرگانان روسی در دوره صفویه، در دریای خزر به‌خصوص از زمان پترکبیر در روسیه، به تدریج درکنار آن ماهی‌گیران روسی دست به فعالیت پر دامنه‌ای جهت صید و صیادی در این دریا زده‌اند. آنها با پرداخت مبلغ ناچیزی به حاکمان مناطق ساحلی، اجازه صید کرانه‌های دریای خزر را می‌گرفته‌اند. در طی دوران بعدی روس‌ها همواره به این امر ابراز علاقه نشان می‌دادند. تسلط روسیه بر بحرخرز به‌خصوص بعد از عهدنامه ترکمانچای در سال ۱۲۴۳ق. / ۱۸۲۸م.، بطور کامل محرز گردید. هر چند ایران بر اساس قرارداد مذکور از داشتن کشتی‌های جنگی در آن دریا محروم بود؛ اما در استفاده از کشتی‌ها غیر جنگی و تجاری



مشکلی نداشت. با این وجود روس‌ها و اتباع ایرانی که به تابعیت روسیه درآمده بودند، بیشتر از امتیازات صیدماهی در سواحل ایران و رودخانه‌های مختلف بهره‌مند می‌شدند.

از تاریخ انعقاد قرارداد ترکمانچای (۱۲۴۳ق. / ۱۸۲۸م.) تا تاریخ ۱۲۹۳ق. / ۱۸۷۶م.، که شیلات شمال ایران به اجاره میرزا حسین خان سپهسالار درآمده بود. شیلات مناطق مختلف شمال یعنی گیلان، مازندران و استرآباد (از آستارا تا رود اترک) در اجاره و اختیار افراد روسی و ایرانی به ویژه روسی بوده است. طبق اسناد و مدارک موجود از دوره مربوطه، چون روس‌ها از وسایل و امکانات صیادی خوبی برخوردار بودند و علاوه بر این مبلغ اجاره آنها نسبت به افراد ایرانی بیشتر بود، در نتیجه بیشتر مستاجران اتباع روسی بودند. این مسئله خود منجر به اختلافاتی میان مستاجران روسی و ایرانی و حتی بین اجاره‌دهندگان (موجر) و مستاجران می‌شده است. برخی اوقات حاکمان مناطق مختلف بدون اجازه دولت و خودسرانه و بدون اطلاع قبلی شیلات را به مستاجران واگذار می‌کرده‌اند و این خود معضلاتی را بوجود می‌آورد (استادوخ: ۳-۵-۱۲۵۲-۱۲۵۳ق.).

مشخص کردن وضعیت شیلات شمال ایران (سواحل دریای خزر)، و قراردادهایی که در فاصله سال‌های ۱۲۴۳ق. / ۱۸۲۸م. تا ۱۲۹۳ق. / ۱۸۷۶م.، منعقد گردیده دشوار می‌باشد. به‌هرحال به پاره‌ای از اسناد موجود برای روشن ساختن اوضاع شیلات در سال‌های فوق اشاره می‌گردد. یکی از این اسناد نامه حاجی میرزا آقاسی به وزیر مختار روس در خصوص ممنوع بودن اجاره شیلات بدون اجازه دولت مرکزی است که در ذیل به آن اشاره می‌شود:

«جناب جلالت و نبالت نصاباً محبان استظهاراً مشفقاً

چون بعرض اولیای دولت جاوید مدت قاهره رسید که در سواحل بحر خزر که متعلق باین دولت علیه است که حکام بدون اذن دولت بعضی از شیلات ماهی‌گیری را باجاره داده‌اند. لهذا فرمان قضا جریان عز نفاذ یافت که هر اجاره که بی‌رخصت مخصوص دولت علیه منعقد شده باشد، باطل است بعد [مع ذالک] هر کس خواسته باشد، هر شیلی را اجاره کند باید از اولیای دولت علیه مرخصی حاصل نماید. نظر به اینکه احتمال می‌رفت که بعضی از رعایای دولت علیه روسیه خواسته باشند. بعضی از شیلات را اجاره نمایند استحضار آن جناب از مدلول حکم محکم شاهنشاهی لازم نمود که آنها را اخبار نمایند.

زیاده چه تصدیق دهد تحریراً فی شهر محرم الحرام سنه ۱۲۵۲ ۱۸۳۶ [م]» (استادوخ: ۲-۵-۱۲۵۲-۱۲۵۳ق.؛ قاضیها، ۱۳۸۰، ج ۱، صص ۸۵-۸۶).

سند زیر یکی از اسنادی است که به نوعی بازگوکننده اختلافات میان مستاجران شیلات شمال است:

گزارش به مسعود میرزا وزیر امور خارجه

«صید ماهی رودخانه سفیدرود گیلان را میرابوطالب یک سال و نیم قبل از نواب شاهزاده



یحیی میرزا اجاره نموده که در همان وقت در دفتر عالیجاه میرزا الکساندر ثبت شده در این زمان شخصی به نام قاسم نامی مدعی شده بر اجاره میرابوطالب و تحقیق و تفحص در این زمینه صورت گرفته که قرار شد در کار میرابوطالب دخل و تصرفی صورت نگیرد» ۲ (استادوخ: ۲-۱۲۵۲-۱۲۵۳ق.)

در اینجا به برخی از مستاجران معروفی که با دولت ایران قرارداد امضا کردند، اشاره می‌شود. حاج میرباقر حاجی طرخانی و فرزندان او که ایرانی و اهل گیلان بودند؛ از تاجران به نام شیلات به شمار می‌آمدند. این خانواده برای تجارت به قفقاز رفتند و در آنجا مسکن گزیدند و از مستاجرین به نام شیلات شمال ایران بودند. بعد از جنگ‌های ایران و روس و عهدنامه ترکمانچای حاج میرباقر به تابعیت روسیه درآمد. بعد از مرگ او فرزندان و نوه‌های او نظیر میرابوطالب همانند پدرشان از اجاره‌کنندگان به شمار می‌آمدند. البته برخی از افراد این خانواده مانند میرزا اسماعیل و میرزا صادق تابعیت ایران را قبول کرده بودند. علاوه بر خانواده مذکور می‌توان از افراد سرشناس دیگر روسی نام برد. قراسیموف ارمنی (Ghrassimov)، استپان سوجایوف (Stepan sojayov)، و کافتانیکوف (Kafsanikov) از زمره این اشخاص بودند که اجاره شیلات شمال ایران را در اختیار داشتند (استادوخ: ۲-۵-۱۲۵۲-۱۲۵۳ق.؛ تیموری، ۱۳۳۲، ص ۲۷۵ و ۲۷۶).

هنگامی که میان میرابوطالب و قراسیموف ارمنی که هر دو از اتباع روسی به شمار می‌آمدند در مورد شیلات اختلاف پیدا شد. نامه زیر را وزیر مختار روسیه (غراف ایوان سیمونیچ) به میرزاسعود وزیر امور خارجه ایران نوشت:

«عالی جاها، رفیع جایگاهها، ابهت و مناعت اکتسابا، دوستان استظهارا، مکرماً

نظر به اینکه در خصوص پاره رودخانه‌های صید ماهی میانه میرابوطالب خان تاجر حاجی ترخانی و قراسیموف ارمنی منازعه واقعست و برای تشخیص حقیقت از آنها لازم است که دو فقره از دولت علیه استعلام و استفسار شود.

اولاً آیا گومش تپه و محل موسوم بحسینقلی از سواجق ۱۸۳۵ [لواحق / سواحل] دریای استرآباد ندارند و علی‌حده‌اند که در اجاره میرابوطالب خان است. یا اینکه مکانهای مزبور دخلی به دریای استرآباد ندارند و علی‌حده‌اند و آیا مسافت جایهای مرقومه از رودخانه سرحد استرآباد چقدر می‌شود و ثانیاً از جماعت حسینقلی و گومش تپه آیا حق دارند که بدون شراکت دولت ایران از رودخانه اترک ابتدا کرده تا گمش تپه برود خانه حاجی نفس و قراسینقیر [قراسینقیز] الی رودخانه قراسو دخل تصرف داشته باشند یا نه چگونگی را توقع دارم که بدوستان قلمی و معلوم نمایند، تا حقیقت امر محقق و مشخص گردد. زیاده چه زحمت دهد. تحریراً فی شهر رمضان ۱۲۵۱ ۱۸۳۵ [م.] ۳» (استادوخ: ۳-۵-۱۲۵۲-۱۲۵۳ق.؛ قاضیهها، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۶۷).

وزیر امور خارجه ایران در خصوص نامه مذکور وزیر مختار روسیه، نکاتی را گوشزد می‌کند



که در ذیل به آن اشاره می‌گردد:

«... عالیجناب دو مطلبی را که استظهار نموده بودند اولاً رودخانه‌های گمش‌تپه و حسینقلی هر دو متعلق به استرآباد است و دخلی به شیل مازندران ندارد ثانیاً طایفه حسینقلی و دیگر طوایف ترکمان همیشه ایل و نوکر دولت علیه ایران بوده‌اند. بدون اذن و اجازت بیگربیگی استرآباد مرضیت آنها در آن رودخانه‌ها خلاف قاعده است...» (استادوخ: ۳- ۵- ۱۲۵۲ - ۱۲۵۳ق.).

به‌هر حال دولت ایران در جوابی که به سفارت روس می‌دهد اشاره می‌کند که: «عالیجاه عباس‌خان بیگربیگی استرآباد می‌نویسد قراسیموف بدون اجازه بدستکاری عنایت ترکمان با کشتیهای خود در دریای استرآباد مشغول صیادی است» و از سفارت روس خواستار منع قراسیموف از این کار می‌شوند (تیموری، ۱۳۳۲، ص ۲۷۶).

نظیر اقدامات میان میرابوطالب و قراسیموف، بین میرابوطالب با دیگر مستاجر روسی به نام سوجایوف وجود داشته است. دولت ایران در جهت رفع اختلافشان گام‌هایی را برداشت. (استادوخ: ۳- ۵- ۱۲۵۲ - ۱۲۵۳ق.).

همانطوری که پیش‌تر هم‌گفته شد، یکی از اتباع روسی که در اجاره شیلات شمال ایران فعالیت داشت، سوجایوف بود، وی سال‌ها در دوران محمدشاه از اجاره‌کنندگان شیلات رودخانه‌های مختلف مازندران بود. در دوران وزارت میرزا مسعودخان در امور خارجه، وی شیلات رودخانه بابل را در مشهدسر (بابلسر) با مبلغ اجاره سالیانه یکصد و ده تومان از وزیر مذکور اجاره کرد. تعهدنامه ذیل میان سوجایوف و میرزا مسعودخان وزیرامور خارجه در تاریخ ذی‌قعدة ۱۲۵۲ق. / ۱۸۳۶م. به امضا رسید:

«از مال سرکار جلالت مدار مقرب الخاقان میرزا مسعود وزیر دول خارجه مبلغ یک‌هزار و یکصد تومان رایج خزانه عامره از بابت اجاره شیل ده سال رودخانه بابل مشهدسر از هذالسنه پیچی‌ئیل [سال میمون] بر ذمت دارد. استپان سوجایوف تاجر حاجی ترخانی که انشاءالله تعالی مبلغ مزبور را از قرار قسط سالی یکصد و ده تومان در وجه کارگزاری معزی‌الیه کارسازی نموده عذر نیاورد - تحریراً فی شهر ذی‌القعدة الحرام سنه ۱۲۵۲» (استادوخ: ۳- ۵- ۱۲۵۲- ۱۲۵۳ق.).

## عوامل تاثیرگذار بر شیلات شمال و نقش میرزا آقاسی، امیر کبیر و میرزا آقاخان نوری در تنظیم شیلات

در توجیه و توضیح اوضاع شیلات می‌توان گفت متغیرهایی وجود داشته‌اند، که در روابط تجاری شیلات مناطق ساحلی دریای خزر و این دریا با اتباع روسی تأثیر عمیق و بنیانی داشت و در بررسی شیلات شمال ایران آنها را نباید نادیده گرفت.



بطور کل عوامل زیر در شیلات شمال تاثیرگذار بوده‌اند:

- ۱- روس‌ها وسایل و امکانات بیشتری جهت صید و صیادی در اختیار داشته‌اند. علاوه بر این بسیاری از ابزار صید و صیادی از روسیه وارد ایران می‌گردید.
  - ۲- امر حمل و نقل دریایی تحت سیطره کمپانی‌های معروف روسی بوده است.
  - ۳- بسیاری از ماهیان در روسیه طرفدار داشت و یا از طریق روسیه به اروپا صادر می‌گردید؛ نظیر ماهیان خاویاری، سگ ماهی، - که در آن زمان از منظر شریعت اسلام حرام بود - و چون قسمت عمده محصولات شیلات ایران به شهرهای روسیه صادر می‌شد، از این حیث صاحبان ایرانی شیلات می‌توانستند تحت فشار دولت روسیه قرار گیرند.
  - ۴- دولتمردان روسی مستاجران شیلات خود را در ایران به شدت مورد حمایت قرار می‌دادند. این مسئله بعد از قرارداد ترکمانچای و اعطای حق قضاوت کنسولی بیشتر نمود پیدا کرد؛ و حق مذکور اتباع روسی را در ایران از هر لحاظ مصون نگه می‌داشت. دولت روسیه هر موقع از این ناحیه احساس خطر می‌کرد به دلیل داشتن اهرم‌های فشار، دولت مرکزی را مورد تهدید قرار می‌داد.
  - ۵- مبلغ اجاره مستاجران روسی نسبت به طرف‌های ایرانی آنها بالا بود و این می‌توانست دولتمردان ایرانی را به خود جلب نماید. هر چند مبلغ دریافتی ناچیز بوده است؛ با وجود این برخی از شخصیت‌های سیاسی نظیر میرزا تقی‌خان فراهانی (امیرکبیر) و میرزا آقاسی سعی داشتند، شیلات شمال را از زیر نفوذ مستاجران روسی در آورند. اما در این کار موفقیت چندانی بدست نیاوردند.
  - ۶- علاوه بر عوامل مذکور تخصص روس‌ها در امر شیلات و مدیریت آنها در این زمینه باعث گردیده که شیلات به روس‌ها اجاره داده شود. از طرف دیگر اگر پیشنهادهایی که از جانب روسیه برای اجاره شیلات مطرح می‌گردید، از سوی دولتمردان ایران نادیده گرفته می‌شد، بهره‌برداری شیلات با مشکلات عدیده‌ای روبرو می‌گشت. چرا که از یک طرف عمده صید و متخصص ماهی‌گیری می‌بایستی از روسیه می‌آمد و از طرف دیگر کشتی و وسایل حمل و نقل به اتباع روسی تعلق داشت.
- عوامل بالا باعث می‌شد، اتباع ایرانی که شیلات را اجاره می‌کردند، بدون مساعدت و جلب نظر روس‌ها نتوانند از کار خود نتیجه خوبی بگیرند. در نتیجه مستاجرین ایرانی شیلات برای پیش‌برد کارشان به دولتمردان نزدیک می‌شدند تا از طریق سیاسی بتوانند همراهی و مساعدت روس‌ها را بدست آورند.
- با توجه به مباحث مذکور، در اینجا به مخالفت سه تن از صدراعظم‌های قاجاریه در خصوص واگذاری شیلات شمال به روس‌ها می‌پردازیم. حاجی میرزا آقاسی، صدراعظم محمد





شاه قاجار با دخالت روس‌ها در شیلات شمال مخالفت می‌ورزیدند؛ و تا حد امکان سعی داشت از اجازه دادن شیلات به اتباع روسی جلوگیری کند و حتی در این زمینه به حکام مناطق شمال ایران نوشت و تاکید کرد که بدون اجازه او شیلات را به اتباع روسی اجازه ندهند. چنان که در نامه‌ای به اسماعیل‌خان میرزا آقاسی مباشر شیلات نوشت این مسئله را تاکید کرد:

«... من جهد دارم سایر شیل را هم از دولت بهیه روسیه بگیرم آدم تو، بر میدارد شیلاتی که در دست ماست بتجار روسی اجازه می‌دهد. مجلاً می‌نویسم اگر فی‌الواقع این کیفیت اصل دارد بورود نوشته آدمی بفرست، آن آدمت که آقاسی نام است از سر شیلات استرآباد بردارند و کس دیگر را مباشر این امر بکن که شیلات را از دست تجار روسی بگیرد...» (تیموری، ۱۳۳۲، ص ۲۷۷؛ آدمیت، ۱۳۴۸، ص ۴۰۳).

حاجی میرزا آقاسی برای کنترل بر شیلات شمال از محمدشاه درخواست می‌کند؛ همه شیلات دریای خزر را به او اجازه دهد. حتی تلاش می‌کرد، هر ناحیه از سواحل بحر خزر که در اجازه روس‌ها بود و مدت آن خاتمه می‌پذیرفت؛ دیگر به اتباع روسی اجازه ندهند. چنان که در مورد کافئانیکوف تاجر روسی که مدت هفت سال شیلات گرگانرود (در گیلان)، را در اختیار داشت و بعد از خاتمه مدت اجازه از قرارداد آن در اختیار دولت ایران طفره می‌رفت که بدنبال آن از سوی وزارت امور خارجه به سفارت روسیه نوشته‌ای ارسال می‌شود تا از این اقدام تاجر روسی جلوگیری شود. به قسمتی از نوشته مذکور که در تاریخ محرم ۱۲۵۶ ق. / ۱۸۴۰ م.، به سفارت روس فرستاده شد اشاره می‌گردد:

«... و نظر به اقتضای موادحت دولتین علیتین حکمی به کفئانیکوف تاجر دولت خود مرقوم دارند که اسباب صید خود را در گرگانرود برده متعرض صید آنجا نشود و بکسان جناب معظم‌الیه بازگذارد. یقین است که بمقتضای موادحت دولتین در این باب مضایقه نخواهند فرمود فی ۶ شهر محرم‌الحرام سنه ۱۲۵۶» (تیموری، ۱۳۳۲، ص ۲۷۸).

نفوذ و قدرتی که روس‌ها در ایران داشتند و بنا به دلایلی که پیش از این در تاثیر گذاری شیلات شمال اشاره گردید؛ از زمان محمد شاه بیشتر شیلات سواحل بحر خزر در اختیار مستاجران روسی بوده است. هر چند دولت ایران در این زمینه ناخرسند بود، اما توانایی فسخ اجازه نامه‌ها را نداشت (آدمیت، ۱۳۴۸، ص ۴۰۳). به همین دلیل می‌بینیم که میرزا آقاسی چندان در کارش موفق نبوده است و با وجود تلاشی که این وزیر جهت جلوگیری از مداخله و کارشکنی روس‌ها در امر شیلات انجام داده، نتوانست از دخل و تصرف مأمورین در زمینه شیلات بحر خزر و رودخانه‌های آن ممانعت به عمل آورد. در تاریخ ربیع‌الاول ۱۲۶۲ ق. / ۱۸۴۵ م.، نامه‌ای به کنیز دولغاروکی (دالگوروکی) وزیر مختار روسیه می‌نویسد و از او خواهش می‌کند که شیلات دریای خزر، از اترک تا آستارا که محمد شاه به او واگذار کرده، از مداخله و اخلال‌گری مستاجران روسی جلوگیری کند.



سفارت روس در برابر این خواسته صدراعظم ایران قول می‌دهد که از اقدامات افرادی که بدون اجازه مشغول صیادی هستند جلوگیری کند (تیموری، ۱۳۳۲، صص ۲۸۲-۲۸۴).

میرزا تقی‌خان فراهانی ملقب به امیرکبیر صدراعظم ناصرالدین شاه یکی از بزرگ‌ترین شخصیت‌های سیاسی عصرناصری بود. وی تلاش همه‌جانبه‌ای را در عرصه‌های مختلف سیاسی و اقتصادی به‌ویژه در زمینه تجارت انجام داد. در سایه اقدامات او تحولات عمده‌ای در وضع اقتصاد داخلی و خارجی ایران ایجاد شد و باعث رونق و گسترش تجارت داخلی و خارجی گردید. یکی از کارهای امیرکبیر در امر اقتصاد ملی، کوتاه کردن دست اتباع روسی در حوزه شیلات دریای خزر بوده است. او در دوران صدارت خویش در جلوگیری از گسترش و توسعه نفوذ اتباع خارجی به خصوص روس و انگلیس اهتمام زیادی ورزید. ناهماهنگی اوضاع شیلات و دخالت نمایندگان سیاسی روسیه به خاطر حفظ منابع اتباع روسی از جمله مواردی بود که امیرکبیر را به فکر اصلاح آن انداخت. به همین منظور تصمیم می‌گیرد که شیلات دریای خزر را در اختیار میرزا ابراهیم خان دریا بیگی تبعه ایران قرار دهد (تیموری، ۱۳۳۲، صص ۲۸۷-۲۸۸؛ آدمیت، ۱۳۴۸، صص ۴۰۳-۴۰۴).

در ابتدای صدارت امیرکبیر شیلات دریای خزر در دست یک نفر تبعه روسی به نام «عبدل» قرار داشت. در سال ۱۲۶۵ ق. / ۱۸۴۸ م.، امیرکبیر اقدام به فسخ اجاره‌نامه شخص مذکور کرده و قصد انتقال آن را به میرزا ابراهیم‌خان دریابیگی ایران داشت. روس‌ها که از اجاره‌کنندگان شیلات اتباع خود در ایران حمایت می‌کردند، از پای نشستند. در نتیجه دالگوروکی وزیر مختار روسیه در تاریخ ۲۳ شعبان ۱۲۶۵ ق. / ۱۸۴۸ م.، طی یادداشتی نکاتی را به پشتیبانی از مستاجر خود به امیرکبیر گوشزد می‌کند: «از روزی که جناب سامی اراده ظاهر فرموده بودند که شیلات مزبور را به عالیجاه مشارالیه (میرابراهیم‌خان) تفویض و واگذار فرمایند. دوستدار به جناب سامی حالی و خاطر نشان نمود، مرارتهایی، از برای دولتین حاصل خواهد شد» (آدمیت، ۱۳۴۸، صص ۴۰۳-۴۰۴). سرانجام امیرکبیر اجاره‌نامه شخص مذکور روسی را بر هم زد و شیلات دریای خزر و رودخانه‌های بین اترک و آستارا را به مباشرت و اجاره میرزا ابراهیم‌خان قرارداد؛ مدت امتیازنامه چهار سال بود و تأکید شد، در پایان هر سال مبلغ اجاره در سر موعد پرداخت شود. در غیر این صورت دولت اجازه فسخ قرارداد را خواهد داشت (آدمیت، ۱۳۴۸، صص ۴۰۳-۴۰۴).

امیرکبیر با اقدامات خودش نظم و تنسیقی خاصی به شیلات دریای خزر بخشید. با این وجود در برخی اوقات اتباع روسی و نیز ترکمانها به تحریض و تشویق دریابیگی روسیه در دریای خزر مداخله خودسرانه داشتند. به همین دلیل از ناحیه دولت به حاکمان ولایات و شهرهای شمالی ایران امر شده که از تصرف و دخالت افراد دیگر در شیلات جلوگیری شود



(آدمیت، ۱۳۴۸، صص ۴۰۳-۴۰۴).

به این ترتیب موضوع اجاره دادن شیلات دریای خزر به میرزا ابراهیم خان منجر به اعتراض دولت روسیه گردید. وزیر مختار روسیه هم به عناوین مختلف شکایت و کارشکنی می‌کرد. همانطوری که پیش‌تر گفته شد امیرکبیر به این اعتراضات توجه نکرد و اجاره شیلات بحر خزر را به میرزا ابراهیم خان داد. میرزا ابراهیم خان از فرزندان میرباقر (دراویل بحث در مورد وی توضیح داده شد) بود و با برخی از برادران و خویشاوندان خود که جزو اتباع روسیه بودند، شراکت مالی داشت. به همین خاطر هنگامی که میرزا ابراهیم خان بعد از آن که دو سال شیلات را در اجاره خود داشت، در پرداخت حق و قسط دیوانی در سر وقت کوتاهی کرد و چون احتمال می‌رفت به دلیل شراکت مالی قبلی با دیگر اتباع روسی، ماموران روسیه تزاری در این امر دخالت کنند. علاوه بر این خویشاوندان میرزا ابراهیم در روسیه ادعاهای مالی علیه او ابراز داشتند. در نتیجه امیرکبیر به موجب شرط اجاره نامه، قرارداد را با او فسخ کرد (آدمیت، ۱۳۴۸، ص ۴۰۴؛ تیموری، ۱۳۳۲، ص ۲۸۹). از اواخر سال ۱۲۶۷ ق. / ۱۸۵۰ م.، امیرکبیر شیلات بحر خزر را تحت نظارت و اداره مستقیم دولت مرکزی درآورد (آدمیت، ۱۳۴۸، صص ۴۰۴-۴۰۵).

به نظر می‌رسد بعدها و در سال ۱۲۷۵ ق. / ۵۹-۱۸۵۸ م. میر ابراهیم خان با تعهد پرداخت ۵/۵۰۰ تومان در سال توانست صیدگاه انزلی و اطراف را از عبیدالملک حاکم گیلان اجاره کند. او با گرفتن عنوان دریایی‌گی حق استفاده از این امتیاز را برای تمامی اعضای خانواده‌اش حفظ کرد و کار صیدگاه و اداره بندر انزلی تا سال ۱۲۸۹ ق. / ۷۳-۱۸۷۲ م.، هنگام واگذاری شیلات شمال به لیانازوف در اختیار فرد مذکور بود (رایینو، ۱۳۶۶، ص ۱۵۷).

در سال ۱۲۵۹ ق. / ۱۸۴۳ م.، در زمان محمدشاه درآمد دولت ایران از ناحیه شیلات بحر خزر حدود ۶/۵۰۰ تومان بود. اما در سال ۱۲۶۷ ق. / ۱۸۵۰ م. و در زمان ناصرالدین شاه و صدارت امیرکبیر این مقدار به مبلغ ۲۵/۰۰۰ تومان رسید. بر طبق گزارش تامسون مال‌الاجاره شیلات در سال ۱۲۶۶ ق. / ۵۰-۱۸۴۹ م.، ۳۰/۰۰۰ تومان ذکر شد (آدمیت، ۱۳۴۸، ص ۴۰۵).

یکی از صدراعظم‌های ناصرالدین شاه میرزا آقاخان نوری بود. وی که بعد از قتل امیرکبیر به صدارت رسید، از جمله کسانی بود که سعی داشت از دخالت روس‌ها در بحر خزر و شیلات آن بکاهد. به نظر می‌رسد وابستگی وی به انگلستان در این زمینه تأثیرگذار بوده باشد. به هر حال در این راستا می‌بینیم از ورود کشتی‌های جنگی روسیه به مرداب انزلی جلوگیری کرد. علاوه بر این در امر صید ماهی با اجاره شیلات به اتباع روسی مخالفت می‌ورزید. در دوران صدارت او از طرف مأموران ایرانی نسبت به اتباع و صیادان روسی سخت‌گیری می‌شد. در این راستا بود که نامه اعتراض آمیزی در تاریخ جمادی‌الثانی ۱۲۶۸ ق. / ۱۸۵۲ م. از سوی وزیر مختار دولت روسیه به او نوشته شد (تیموری، ۱۳۳۲، ص ۲۸۹).



اگر چه میرزا آقاسی و میرزا آقاخان نوری هیچ‌کدام در حد و اندازه امیرکبیر نبودند؛ اما اقدامات امیرکبیر در امر شیلات بحرخرز با توجه به وابستگی شدید دولت ایران به روسیه و تهدیدات این کشور شایسته تحسین بود. آخرین اقدام امیرکبیر را می‌توان دستور او به کارپرداز حاجی‌ترخان در ذی‌قعدة ۱۲۶۷ق. / ۱۸۵۰م.، در مورد فراهم کردن وسایل صیدماهی دانست (آدمیت، ۱۳۴۸، ص ۴۰۵). البته این مسئله تا حدی گویای نیاز دولت ایران در امر شیلات شمال به روسیه بود. نامه‌ای که از طرف دولت ایران (میرزا مسعود وزیرامور خارجه)، به وزیر مختار روسیه مبنی بر حمایت و کمک از متصدیان ایرانی در امر شیلات توسط روسیه، خود شاهدی موقف بر نیاز شدید ایران به دولت روسیه است (تیموری، ۱۳۳۲، ص ۲۹۱).

بنابر آنچه گفته شد، بهره‌برداری شیلات بحرخرز هم از لحاظ سیاسی و اختلافاتی که میان مستاجران و اتباع روسی و ایرانی بوجود می‌آمد و هم از جنبه مالی برای دولت ایران ایجاد مشکل می‌کرد. مبلغ اجاره هم در حدی نبود که مسئولین کشوری را اقناع کند.

توجه دولت روسیه به امر شیلات، که این مسئله در تقاضای مأمورین سیاسی و کنسولی درگرفتن اجاره شیلات برای مستاجرین روسی به خوبی هویدا بود. به خصوص بعد از اعتراض دولت روسیه نسبت به قرارداد رویترا تا حدی می‌توانست روابط ایران و روسیه را بهبود بخشد (تیموری، ۱۳۳۲، ص ۲۹۲؛ مجله بندر و دریا، بی تا، شماره ۲۹، ص ۳۸). از طرف دیگر از لحاظ امکانات مادی و وسایل صیادی و تخصصی در این زمینه روس‌ها مهارت زیادی داشتند؛ به علاوه مبلغ اجاره آنها از مستاجرین ایرانی بیشتر بود. این عوامل سبب شد که میرزا حسین‌خان سپهسالار برای پایان بخشیدن به وضع نابسامان شیلات شمال آن را از ناصرالدین شاه اجاره کند و بعد از آن به مستاجران روسی واگذار نماید (تیموری، ۱۳۳۲، صص ۲۹۲-۲۹۳).

پیش از دوران صدارت میرزا آقاخان نوری به کرات از ناحیه روس‌ها پیشنهاد اجاره شیلات شمال ایران به دولت مرکزی در زمان ناصرالدین شاه داده شد. اما ناصرالدین شاه از قبول آن امتناع می‌ورزید. این مسئله در گزارشی که در تاریخ ذی‌الحجه ۱۲۸۶ق. / ۱۸۶۹م. درباره موضوعات گوناگون مانند شیلات به شاه مذکور اطلاع داده شد. محرز است:

«وزیر دول خارجه:

فقره نوشته بودید که قونسول روس خواهش دارد شیلات را بتاجر حاجی طرخانی اجاره داده شود حالا موقع این گفتگوها نیست البته درکمال خوبی از قونسول عذر بخواهید» (تیموری، ۱۳۳۲، ص ۲۹۳).

## لیانازوف‌ها و چگونگی واگذاری امتیاز شیلات شمال به آنها

بعدازآنکه پیشنهاد دریافت امتیاز شیلات شمال از سوی میرزا حسین‌خان سپهسالار صدراعظم



ناصرالدین شاه از سوی این شاه قاجاری پذیرفته شد و به تصویب رسید. در نتیجه اجاره‌نامه‌ای تنظیم و به امضای طرفین می‌رسد. این قرارداد در تاریخ جمادی‌الآخر ۱۲۹۳ق. / ۱۸۷۶م. به مدت ۱۰ سال با مبلغ اجاره سالانه سی و یک هزار تومان منعقد گردید (استادوخ: ۱۵ - ۱۰ - ۱۲۹۳ق.). قسمتی از سند این امتیاز در ذیل اشاره می‌گردد:

«از ابتدای هذه‌السنه سیچقان ٹیل [سال موش] خیریت تحویل سنه ۱۲۹۳ هجری لغایت ده سال تمام کامل‌الشهور والایام همگی و تمام‌کل شیلات و صید انواع ماهی بحرخرز را چه در گیلان و چه مازندران و تنکابن و رودخانه‌های مخصوصه و مرداب و غیره آنچه متعلق به دولت ایران است، باجاره صحیحه شرعیه متصله غیرمنفکه در سالی سی و یک هزار تومان وجه رایج خزانه عامره بجناب مستطاب اشرف حاجی میرزا حسین‌خان مشیرالدوله سپهسالار اعظم و وزیر امور خارجه واگذار فرمودیم که همه ساله سالی هیجده هزار تومان موجب خود را از مبلغ مزبور موضوع داشته مبلغ سیزده هزار تومان باقی را که خالص از وجه اجاره می‌ماند کارسازی دارد و...» (استادوخ: ۱۵ - ۱۰ - ۱۲۹۳ق.).

میرزا حسین‌خان سپهسالار بعد از آنکه قرارداد را با شاه امضا کرد، شیلات دریای خزر را به موجب قراردادی در تاریخ ۱۲ یون (ماه ژوئن روسی) ۱۸۷۶م. / ۱۲۹۳ق.، به استپان مارتینوویچ لیانازوف (Stepan mrtinovitch lianozov) اجاره داد. لیانازوف از بازرگانان حاجی‌ترخانی تبعه روس بود. بعد از مدتی به دلیل اختلاف و عدم پرداخت مبلغ اجاره از سوی لیانازوف مشکلاتی بوجود آمد؛ در نتیجه مأموران ایرانی به دستور سپهسالار با اطلاع سفارت روسیه لوازرم صیادی لیانازوف را ضبط می‌کنند. سرانجام بعد از مذاکراتی که میان ملیک بیگلروف (Melik Bgliyarov) و کیل لیانازوف با میرزا حسین‌خان سپهسالار در تهران صورت گرفت. طی یک مصالحه‌نامه‌ای، اختلافات بوجود آمده برطرف گردید و قرار شد شیلات به لیانازوف و شرکای او اجاره داده شود (تیموری، ۱۳۳۲، صص ۲۹۳-۲۹۴).

در مورد تاریخ انعقاد قرارداد شیلات با لیانازوف نقل و قول‌های زیادی شده است. برخی اعتقادشان بر این است که تاریخ دقیق آن معلوم نیست و عده‌ای شروع قرارداد مذکور را ۱۸۸۶ م. / ۱۳۰۴ ق. می‌دانند (انتنر، ۱۳۶۹، ص ۱۴۱). ویلهلم لیتن تاریخ شروع امتیاز را سال ۱۸۸۸ م. / ۱۳۰۶ ق. ذکر می‌کند (لیتن، ۱۳۶۷، ص ۱۱۶). با توجه با اسناد و مدارک موجود در ایران تاریخ‌های فوق و دیگر مواردی که اشاره می‌گردد نمی‌تواند درست باشد، و تاریخ صحیح امتیاز را می‌توان همان سال ۱۸۷۶ م. / ۱۲۹۳ ق. دانست.

بعد از حل شدن اختلافات بوجود آمده میان میرزا حسین‌خان سپهسالار و لیانازوف و امضا مصالحه‌نامه، در تاریخ ۷ ذیقعد ۱۲۹۶ ق. / ۴ اکتبر ۱۸۷۹ م. قرارداد جدید میان میرزا حسین‌خان سپهسالار به مدت پنج سال با چهار بازرگان روسی به نام‌های برادران شاد میروویچ



ملیک بیگلروف ولوآرساب ملیک بیگلروف (Bgliyarov Melik)، واستپان مارتینویچ لیانازوف تاجر درجه اول حاجی ترخانی و ملیک آزاریانس (A. A. Melik azarian)، تاجر درجه اول شهرتفلیس، طبق شروطی به امضا رسید (تیموری، ۱۳۳۲، صص ۲۹۵-۲۹۶). در ذیل به شرط اول آن اشاره می‌گردد:

#### «شرط اول»

جناب مستطاب اجل اشرف امجد سپهسالار اعظم تمام و همگی شیلات و عمل صید ماهی دولت علیه ایران را که مسمی بحلال و حرام است از رودخانه آستارا که سرحد دولت بهیبه روس است الی رودخانه اترک که سرحد دولت علیه ایران است بموعد پنج سال یعنی از اول ماه اکتبر سنه ۱۸۷۰ مسیحی الی اول ماه اکتبر سنه ۱۸۸۴ باجاره صحیحه قطعیه می‌دهد به برادران ملیک بیگلروف و لیانازوف و ملیک آزاریانس بمبلغ هر ساله پنجاه هزار تومان پول ایران» (تیموری، ۱۳۳۲، صص ۱۲۵-۲۹۶).

به این ترتیب، طبق این قرارداد روس‌ها امتیاز ماهی‌گیری تمامی سواحل بحر خزر و رودخانه‌های ایران را در شمال بدست آوردند. تنها منطقه‌ای را که شامل این قرارداد نمی‌شد منطقه سرتک (میان قلعه / میان کاله) بوده است، که روس‌ها حق ساختن هیچ‌گونه تأسیسات ماهی‌گیری در آن را نداشتند.

بعد از یک سال از امضای امتیازنامه شیلات توسط میرزا حسین خان سپهسالار با لیانازوف و شرکایش، در شوال ۱۲۹۷ ق. / ۱۸۷۹ م.، وی از مقام صدارت عزل و به قزوین تبعید شد. به فرمان ناصرالدین شاه تلگرافی به قزوین ارسال گردید و از سپهسالار خواسته شد که اجاره‌نامه شیلات و اسناد مربوط به آن را به تهران بفرستد. بدنبال آن میرزا حسین خان سپهسالار اسناد اجاره‌نامه شیلات را در اختیار ناصرالدین شاه قرار می‌دهد. همراه اسناد و مدارک نامه‌ای به ناصرالدین شاه می‌نویسد و در آن اشاره می‌کند از اینکه توانست اوضاع پریشان شیلات را سرو سامان و مال الاجاره آن را افزایش دهد، کمال تشکر و افتخار و مباحثات را می‌کند (قاضیها، ۱۳۸۰، ج ۲، صص ۱۹۵-۲۰۱؛ تیموری، ۱۳۳۲، صص ۲۹۸-۲۹۹). در تاریخ ۲۲ شوال ۱۲۹۷ ق. / ۱۶ سپتامبر ۱۸۸۰ م. سپهسالار نامه‌ای به وزیر مختار روس مبنی بر انتقال امور شیلات به ناصرالدین شاه می‌نویسد که این نامه به سفارت روسیه ارسال نمی‌شود (استادوخ: ۱۴-۱۶-۱۲۹۶ ق.؛ تیموری، ۱۳۳۲، صص ۲۹۹-۳۰۱).

بعد از آنکه میرزا حسین خان سپهسالار از صدارت عزل گردید و شیلات شمال ایران از دستش خارج شد. ناصرالدین شاه شیلات را در اختیار فرزند خود کامران میرزا نایب‌السلطنه قرار داد. در طی مدت اجاره قبلی، لیانازوف با کامران میرزا مذاکره می‌کند، که بعد از خاتمه و پایان یافتن موعد قرارداد قبلی، شیلات را خودش به تنهایی اجاره نماید و در ضمن تاکید کرد



که سالانه شش هزار تومان بر اجاره قبلی اضافه کند. به همین منظور قراردادی در تاریخ ششم جمادی‌الثانی ۱۳۰۰ ق. / اول آوریل ۱۸۸۳ م، میان کامران میرزا و میرزا سعید خان وزیر امور خارجه از یک طرف و استپان لیانازوف از طرف دیگر بسته شد.

این قرارداد در هشت شرط تنظیم گردید و مدت آن شش سال و شروع آن از اول ماه اکتبر ۱۸۸۴ م. / ۱۳۰۱ ق.، بود و تقریباً شرایط امتیازنامه مانند قرارداد قبلی بوده است. به استثنای حق اختیار صید ماهی پولک‌دار (حلال)، که بر اساس شرط سوم قرارداد گذشته، میرزا حسین‌خان سپهسالار می‌توانست با اطلاع به مستاجران، و کم‌کردن ۱۲ هزار تومان از پنجاه هزار تومان اجاره سالانه، به خود اختصاص دهد. این شرط در مورد قرار جدید هم مصداق پیدا می‌کرد. (استادوخ ۱۷-۲۵-۱۲۹۵ ق.؛ قاضیه‌ها، ۱۳۸۰، ج ۲، صص ۲۱۳-۲۱۷؛ تیموری، ۱۳۳۲، صص ۳۰-۳۰۱). علاوه بر این تاکید شد که هرگاه مستاجر بیش از یک ماه در پرداخت اجاره تأخیر کند ۱۲ درصد ربا بپردازد. در مقدمه این قرارداد چنین آمده است:

«شهر دارالخلافه طهران غره ماه ایبریل (آپریل) سنه ۱۸۸۳

ما در ذیل امضاکنندگان و قول‌گذارندگان و کلای دولت علیه ایران:

حضرت مستطاب ارفع اشرف والا نایب السلطنه امیرکبیر وزیر جنگ دولت علیه ایران و فرمان‌فرمای طهران - گیلان - مازندران - استرآباد و جناب مستطاب اجل اکرم افخم میرزا سعیدخان موتمن‌الملک وزیر امور خارجه دولت علیه ایران بموجب اختیار و اقتداری که از دولت علیه ایران دارند از یک جانب و رعیت روس پاطومستونی پاجطنی غراژدانی استپان مارتینچ لیانازوف تاجر درجه اول حاجی‌ترخان از جانب خود این‌کننداخت قرارداد منعقد نمودیم. (استادوخ، ۱۷-۲۵-۱۲۹۹ ق.)

سند قرارداد مذکور به دو زبان فارسی و روسی نوشته شده است و در ذیل سند امضای میرزا سعیدخان وزیر امور خارجه و کامران میرزا و مهر و امضای استپان لیانازوف درج گردیده است. در طی دوران بعدی قرارداد شیلات شمال با استپان لیانازوف و وراث او تمدید شد.

بعد از برکناری میرزا حسین‌خان سپهسالار از صدارت، میرزا علی‌اصغرخان (امین‌السلطان) به صدراعظمی رسید. در زمان او فرمان آزادی کشتیرانی در رود کارون با میانجی‌گری‌اش در تاریخ ۲۰ ربیع‌الاول ۱۳۰۶ ق. / ۱۸۸۸ م. / ۴ دی ۱۲۶۷ ش.، به نفع انگلیس صادر گردید. روس‌ها با سکوت در مقابل این اقدام قرارداد شیلات شمال را تمدید کردند و بر اجاره سالانه آن چهارهزار تومان افزودند (مجله بندر و دریا، شماره ۲۹، بی تا، ص ۳۸). در تاریخ ربیع‌الثانی ۱۳۰۶ ق. / ۱۸۸۸ م. قرارداد مذکور منعقد گردید. زمان شروع این قرارداد از اول اکتبر ۱۸۹۰ م. / ۱۳۰۸ ق.، و مبلغ اجاره سالانه آن شصت هزار تومان بود که در سه قسط می‌بایستی پرداخت می‌شد. سایر شروط قرارداد همانند قرارداد قبلی بوده است (تیموری، ۱۳۳۲، ص ۳۰۲؛ لیتن،



۱۳۶۷، ص ۱۱۶). بعد از آن در تاریخ بیست و ششم ربیع الاول ۱۳۱۱ ق. / ۲۰ سپتامبر ۱۸۹۳ م.، قرارداد دیگری در راستای تمدید آن بسته شد که تاریخ آغاز آن از اول اکتبر سال ۱۹۱۱ م. / ۱۳۲۹ ق. بود. مبلغ اجاره سالانه آن در این قرارداد ۲۴ هزار امپریال روسی که هر یک از عدد آنرا از قرار بیست فرانک ذکر کرده که در مجموع چهارصد و هشتاد هزار فرانک (۴۸۰/۰۰۰ فرانک)، طلای فرانسوی محسوب می شده است، که باید کارسازی می گردید. هرگاه طرفین قصد فسخ قرارداد را داشتند می بایستی مبلغ ۶۰۰/۰۰۰ فرانک می پرداختند. سایر شرایط قرارداد مذکور مانند گذشته بود (تیموری، ۱۳۳۲، ص ۳۰۲؛ لیتن، ۱۳۶۷، ص ۱۱۶).

بعد از مرگ ناصرالدین شاه در سال ۱۳۱۳ ق. / ۱۸۹۶ م. مظفرالدین شاه روی کار آمد. در همین سال استپان لیانازوف درگذشت و فرزندش گئورگی لیانازوف (Georgiy lianozov)، قرارداد شیلات دریای خزر را در زمان صدرات میرزا علی اصغرخان (امین السلطان)، که پیش از این صدراعظم ناصرالدین شاه بود، با دولت ایران در تاریخ ۱۴ جمادی الاولی ۱۳۱۴ ق. / ۱۰ اکتبر ۱۸۹۶ م. تمدید کرد. شرایط این قرارداد همانند قرارداد سال ۱۳۱۱ ق. / ۱۸۹۳ م. بوده و پنج سال به آن اضافه گردید. به عبارتی شیلات تا اول اکتبر ۱۹۲۵ م. / ۱۳۴۴ ق.، در اجاره لیانازوف قرار گرفت. مبلغ اجاره «هر ساله بیست و پنج هزار، نصف امپریال روسی که هر یک عدد آن از قرار بیست فرانک طلا بوده باشد محسوب داشته هر ساله ادا و کارسازی کند» (تیموری، ۱۳۳۲، صص ۳۰۲-۳۰۳). بطور کلی مقدار اجاره سالانه این قرارداد ۵۰۰/۰۰۰ فرانک بود، و حق ماهی گیری از سال ۱۹۲۰ م. / ۱۳۳۹ ق. تا ۱۹۲۵ م. / ۱۳۴۴ ق. تمدید گردید (لیتن، ۱۳۶۷، ص ۱۱۶). در ضمن در این قرارداد اشاره گردید: «اگر چنانچه برای ترقی کل صیادی شیلات مسیو غیورگی (گئورگی) لیانازوف بخواهد برای خود شرکا قرار بدهد، لهذا از این تاریخ به بعد مجاز و مختار است که هر وقت از اوقات لازم بداند از روی قانون مملکتی روسیه در انعقاد و دایر نمودن آن شراکت مختار خواهد بود» (تیموری، ۱۳۳۲، ص ۳۰۳).

همان طوری که ذکر گردید، قرارداد شیلات شمال قبل از آنکه خاتمه پذیرد دوباره با مبلغی معین تمدید می شد. بعد از مرگ گئورگی لیانازوف در تاریخ ۲۷ محرم ۱۳۱۶ ق. / ۶ ژوئن ۱۸۹۹ م. / ۱۶ خرداد ۱۲۷۸ ش.، شیلات شمال در اختیار ورثه او قرار گرفت. از او سه پسر خردسال به نام های مارتین (Martin) و اتین (استپان/Etin) و لئون (Leon) باقی ماند. از این سه وصی رئیس (موسی) آربکف (Arbekov) در جریان نهضت آزادیخواهی مشروطه از جناح استبدادی در دشمنی با آزادیخواهان تلاش می کرد. وی حتی بعد از بلوغ بازماندگان (سه پسر) لیانازوف، از حمایت جریان مخالف مشروطه و ضدیت با استقلال و آزادی ایرانیان و مشروطیت تا انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ م. / ۱۳۳۶ ق.، روسیه (انقلاب کمونیستی) و سقوط تزارسم دست برداشت (مجله بندر و دریا، شماره ۲۹، بی تا، ص ۳۹).





در جریان انقلاب مشروطه که عین‌الدوله صدراعظم مستبد ناصرالدین شاه در مسیر سقوط قرار گرفته بود، روس‌ها و نیز آریکف از جمله اوصیای لیانازوف دست از حمایت دولت قاجاری برداشتند. در نتیجه قرارداد مخصوصی در تاریخ ۱۷ صفر ۱۳۲۴ق. / ۳۰ مارس ۱۹۰۶م. / ۲۲ فروردین ۱۲۸۵ش.، با پرداخت اجاره بهای سه سال آینده (۱۹۰۷ و ۱۹۰۸ و ۱۹۰۹م.) به مبلغ یک میلیون و سیصد و هفتاد هزار فرانک (۱/۳۷۰/۰۰۰ فرانک) و با کم کردن بهره آن که صدی شش (۶ درصد) در سال بود، میان نماینده قیم‌های ورثه‌گنورگی لیانازوف با عبدالمجید میرزا (عین‌الدوله) منعقد گردید. این قرارداد به دولت عین‌الدوله به واسطه مضیقه مالی و بی‌پولی خزانه دولت کمک زیادی کرد (تیموری، ۱۳۳۲، ص ۳۰۳؛ مجله بندر و دریا، شماره ۲۹، بی تا، ص ۳۹).

با وقوع انقلاب اکتبر در سال ۱۹۱۷م. / ۱۳۳۶ق.، و ممنوعیت حمل پول طلا از روسیه و بهانه لیانازوف‌ها به خاطر واقعه انقلاب در روسیه آنها نتوانستند به موقع اجاره بهای شیلات را بپردازند، در نتیجه در دوران نخست‌وزیری صمصام‌السلطنه، مشارالملك وزیر مالیه در ۲۱ شعبان ۱۳۳۶ق. / اول ژوئن ۱۹۱۸م. / ۱۲ خرداد ۱۲۹۸ش.، قرارداد شیلات شمال را با لیانازوف‌ها لغو می‌کند. در تاریخ ۱۴ رمضان ۱۳۳۷ق. / ۱۳ ژوئن ۱۹۱۹م. / ۲۴ خرداد ۱۲۹۸ش.، در دوران نخست‌وزیری حسن و وثوق (و وثوق‌الدوله) عاقد قرارداد ننگین ۱۹۱۹م. / ۱۳۳۸ق. شیلات دریای خزر به ضمانت تجارتخانه طومانیانس (تومانیانس) به شخصی به نام گریگور پتروویچ وانتیتسوف (G.P. Wantitessov)، تبعه روس به مدت بیست سال اجاره داده می‌شود. طبق قرارداد هر ساله نیمی از درآمد خالص به ایران تعلق می‌گرفت. علاوه بر این در سال اول یکصد هزار تومان، سال دوم یکصد و پنجاه هزار تومان، سال سوم دویست هزار تومان، سال چهارم دویست و پنجاه هزار تومان، سال پنجم سیصد هزار تومان و از سال ششم به بعد هر ساله پانصد هزار تومان می‌بایستی به دولت ایران پرداخت می‌شد. وانتیتسوف چون نتوانست بر اساس قرارداد مذکور عمل کند؛ در نتیجه در تاریخ ۲۳ شعبان ۱۳۳۹ق. / ۲ ماه مه ۱۹۲۱م. / ۱۲ اردیبهشت ۱۳۰۰ش.، این قرارداد لغو گردید؛ و اموال و دارایی شیلات در قبال طلب دولت مرکزی ضبط و توقیف گردید (ساکما، شماره سند ۲۴۰۰۱۶۸۱، محل در آرشیو ۷۳۷ پ آ ۱، ۱۲۹۷ش، ساکما، شماره سند ۲۴۰۰۱۶۵۲۷، محل در آرشیو ۴۰۳ م آ آ ۱، ۱۳۰۰ش؛ بهرامی، ۱۳۳۰، صص ۱۱۴-۱۱۵؛ تیموری، ۱۳۳۲، ص ۳۰۵؛ مجله بندر و دریا، شماره ۲۹، بی تا، ص ۳۹).

نکته‌ای را که در ارتباط با لغو قرارداد لیانازوف در جریان انقلاب اکتبر ۱۹۱۷م. / ۱۳۳۶ق. روسیه باید گفت این است که با وجود آنکه این قرارداد بنا به دلایل قبلی، و نیز توسط دولت جدید کمونیستی باطل اعلام شد. سفارت سابق روسیه (روسیه تزاری) در ایران و مینورسکی مستشار سفارت، ایران را با تهدیدهای سختی روبرو کرد. حتی در این مورد تاکید می‌کند که ما برای حفظ شیلات در نهایت مجبوریم آن را به انگلیسی‌ها واگذار نمائیم. به عبارتی در



این زمان میان بازرگانان روسیه تزاری در ایران با انگلستان همکاری وسیعی وجود داشت. بطوری که در همین اوضاع و احوال بود که انگلیسی‌ها در شیلات استقرار پیدا کردند. در خلال مخالفت و جنگ با انقلاب روسیه ماژور ژنرال دنسترویل (Dansterville)، فرمانده کل نیروهای انگلیسی در ایران و قفقاز در بندر انزلی شیلات را مرکز ستاد ارتش انگلستان قرارداد (مجله بندر و دریا، شماره ۲۹، بی تا، ص ۳۹).

از زمانی که قرارداد شیلات با وراث لیانازوف لغوگردید، آنها به کرات به دولت ایران شکایت و اعتراض کردند و خواستار جبران خسارت وارده بر خودشان شدند. سرانجام برای رفع اختلافات میان وراث لیانازوف و دولت ایران کار به حکمیت و داوری کشانده می‌شود. در سال ۱۹۱۲ م. / ۱۳۴۰ ق. / ۱۶ آبان ۱۳۰۲ ش.، محمدعلی فروغی (ذکاءالملک)، رئیس دیوان عالی تمیز و دکتر ولی‌الله‌خان نصر رئیس ثبت اسناد آن زمان و حاج‌سید نصرالله تقوی مدعی‌العموم آن زمان دیوان عالی تمیز، به عنوان داوران از سوی ایران (حکم) و دو نفر روسی به عنوان داور تعیین شدند. بعد از رسیدگی احکام، علیه دولت ایران رای صادر می‌گردد و قرار شد بهره‌برداری از شیلات تا پایان مدت (هفت سال بقیه)، در اختیار وراث لیانازوف قرار بگیرد و زیان هفت سال دیگر نیز به آن اضافه شود. با روی کار آمدن کمونیست‌ها در روسیه شوروی و انعقاد قرارداد مودت (دوستی) در تاریخ ۲۶ فوریه ۱۹۲۱ م. / ۱۶ اسفند ۱۲۹۹ ش.، میان ایران و شوروی به موجب فصل چهاردهم، دولت کمونیستی شوروی خواهان بستن قرارداد در زمینه شیلات با ایران شد. در این راستا شوروی‌ها پیشنهاد اجاره شیلات را می‌دهند. دولت ایران در این زمان اجازه داد که محصول شیلات به قیمت عادلانه به شوروی‌ها فروخته شود. در تاریخ ۱۶ نوامبر ۱۹۲۲ م. / ۲۴ آبان ماه ۱۳۰۱ ش.، به دلیل آنکه وراث لیانازوف‌ها به سن بلوغ رسیدند. بر اساس تقسیم نامه‌ای دارایی این خانواده میان فرزندان تقسیم شد. طبق این تقسیم‌نامه شیلات واقع در انزلی و خلیج‌انزلی و آستارا و ساحل دریا، از انزلی تا آستارا، همراه با قطعات زمین و ابنیه آن از جمله جزایر کولان کودای کوچک و کولان کودای بزرگ و وسایل حمل و نقل و مصالح و دفاتر و آلات صید و غیره به یکی از فرزندان گئورکی لیانازوف یعنی مارتین لیانازوف تعلق گرفت. مارتین لیانازوف این امتیاز را به اداره مؤسسات صیادی اتحاد جماهیر شوروی واگذار کرد. به عبارتی شوروی مالک آن گردید (ساکما، شماره سند ۱۶۶۶۱-۲۴۰۰، محل در آرشیو ۱۰۸ م ۳ آ آ ۱، ۱۳۰۲ ش؛ تیموری، ۱۳۳۲، ص ۳۰۶؛ بهرامی، ۱۳۳۰، صص ۱۳۰-۱۳۱؛ مجله بندر و دریا، شماره ۲۹، بی تا، ص ۳۹).

شوروی‌ها که بعد از عهدنامه مودت (۱۹۲۱ م.)، در گرفتن امتیاز شیلات و صیادی با ایران چانه‌زنی زیادی می‌کردند. سرانجام در اول اکتبر ۱۹۲۷ م. / مهرماه ۱۳۰۶ ش.، قرارداد ۲۵ ساله‌ای با ایران منعقد کردند که به موجب ماده اول آن امتیاز بهره‌برداری از شیلات بحر خزر به



استثنای رودهای آن به یک شرکت مختلط ایران و شوروی واگذار شد (در دوران نخست‌وزیری قوام‌السلطنه). سهام روسیه در این قرارداد درصد و سهام ایران، ۴۹ درصد بوده است ( تیموری، ۱۳۳۲، ص ۳۰۷؛ بهرامی، ۱۳۳۰، صص ۱۱۵-۱۳۱؛ مجله بندر و دریا، شماره ۲۹، بی تا، ص ۳۹). امتیاز شرکت مختلط شیلات ایران و شوروی در تاریخ ۳۱ ژانویه ۱۹۵۳ م. / ۱۱ بهمن ۱۳۳۱ ش.، به دلیل اینکه پایان قرارداد بود و دولت ایران (پهلوی) حاضر به تجدید و تمدید آن نشد، خاتمه پذیرفت و منحل گردید. دارایی این شرکت بر اساس قرارداد قبلی میان طرفین تقسیم شد (تیموری، ۱۳۳۲، ص ۳۰۸؛ عیسوی، ۱۳۶۹، ص ۳۹۵). بعد از آن شرکت سهامی ایران با سرمایه صددرصد ایرانی بوجود آمد. رودهای ایران نیز جزو حوزه امتیاز شرکت جدید قرارگرفت (مجله بندر و دریا، شماره ۲۹، بی تا، ص ۳۹).

### هزینه‌ها و درآمدهای لیانازف‌ها در زمینه شیلات شمال

قرارداد شیلات شمال که سال‌ها در اختیار استپان لیانازوف و وراث او بود. درآمد فوق‌العاده‌ای را برای این خانواده ایجاد کرد. اگر نگاهی به مبالغ اجاره بهای آن ببینیم؛ متوجه می‌شویم، این اجاره بها در مقابل درآمد هنگفت آن قابل مقایسه نبود. هرچند می‌توانست یک منبع درآمد خوبی برای دولتمردان ایران باشد. لیانازوف‌ها برای سالهای ۱۸۸۸-۱۹۲۵ م. / ۱۳۰۶ ق.-۱۳۴۴ ق.، مبالغ زیر را برای اقدامات در زمینه شیلات بحرخرز هزینه کرده‌اند.

جدول: هزینه لیانازوف‌ها در زمینه شیلات شمال (۱۸۸۸-۱۹۲۵ م.)

سال	مدت امتیاز	مبلغ سالانه	مبلغ کل
۱۸۸۸-۱۹۰۱ م.	۱۳ سال	۴۰۰/۰۰۰ میلیون فرانک	۵ /۲ میلیون فرانک
۱۹۰۱-۱۹۱۰ م.	۱۰ سال	۴۶۰/۰۰۰ میلیون فرانک	۴/۲ میلیون فرانک
۱۹۱۱-۱۹۱۹ م.	۹ سال	۴۸۰/۰۰۰ میلیون فرانک	۴/۳۳ میلیون فرانک
۱۹۲۰-۱۹۲۵ م.	۵ سال	۵۰۰/۰۰۰ میلیون فرانک	۲/۵ میلیون فرانک
			جمع ۱۶/۲۳
			۳/۳۸
			سرمایه‌گذاری در کارگاه که این رقم برابر ۱۰ میلیون روبل می‌شد. ۲۰ میلیون فرانک

لیانازوف‌ها از صید و فروش ماهیان مختلف، به خصوص خاویاری سود سرشاری می‌بردند. خاویار شمال ایران مشتریان خوبی در اروپا داشت. خاویار سواحل شمال بهترین نوع آن به شمار می‌آمد و قسمت اعظم آن از طریق روسیه و بنادر آستراخان و باکو به اروپا صادر می‌شد.



ویلهلم لیتن در زمینه خاویار شمال ایران می‌نویسد: «لیانازوف از حق اختصاصی خود چنان استفاده می‌کرد که در شمال ایران تهیه خاویار بدون داشتن دوست خوبی در میان فرستادگان روسی، و یا بانک روسی، غیر ممکن بود. کلیه خاویار توسط لیانازوف به بازارهای اروپایی ارسال می‌شد» (لیتن، ۱۳۶۷، ص ۱۱۷).

همانطوری که ذکر گردید بیشتر خاویار از طریق روسیه به اروپا صادر می‌شد. به‌طور کلی از زمان محمد شاه به بعد، به دلیل حضور گسترده مستاجران روسی در زمینه شیلات، صدور ماهیان مختلف به ویژه ماهیان خاویاری به اروپا از راه بنادر روسی مرسوم بوده است. حجم ماهی‌گیری در اوایل سال ۱۸۹۰ م. / ۱۳۰۸ ق. به ارزش ششصد هزار روبل (۶۰۰/۰۰۰) بود. این مقدار در طی سال‌های ۱۸۹۰ تا ۱۹۰۶ م. / ۱۳۰۸-۱۳۲۴ ق. به نهصد هزار روبل (۹۰۰/۰۰۰) و یک میلیون روبل (۱/۰۰۰/۰۰۰) افزایش یافت. از سال ۱۹۰۷ تا ۱۹۱۳ م. / ۱۳۲۵-۱۳۳۲ ق.، درآمد ماهی به بیشتر از ۲/۲۵ میلیون روبل رسید (انتنر، ۱۳۶۹، ص ۱۲۴). ارزیابی انگلیسی‌ها از مقدار ماهی صادراتی ایران به روسیه در سال ۱۹۰۸-۹ م. / ۱۳۲۶-۱۳۳۲ ق.، مبلغ ۱۰/۹۱۱/۰۰۰ پوند بوده است که در مقایسه با ارقام گزارش داخلی و منابع ایرانی خیلی پایین است. سود لیانازوف در سال ۱۹۱۳ م. / ۱۳۳۲ ق.، بیش از ۵۱۰/۰۰۰ روبل ذکر شده است (عیسوی، ۱۳۶۹، ص ۳۹۴).

لیانازوف‌ها به کارگران ایرانی اعتماد چندای نداشتند، به همین دلیل در جهت پیشبرد کار خود از کارگران روسی استفاده می‌کردند و همه نیازمندی‌های خویش را از روسیه وارد می‌ساختند (انتنر، ۱۳۶۹، ص ۱۲۴). البته بنابر اعتقاد مذهبی صید و خوردن و دست زدن به ماهیان بدون فلس مانند ماهیان خاویاری و سگ‌ماهی حرام بوده است. شاید این مسئله و عدم تخصص ایرانیان در این زمینه تاثیرگذار بوده است. یکی از کنسول‌ها گزارشی را در سال ۱۸۷۶ م. / ۱۲۹۳ ق.، تهیه کرده که در ذیل بدان اشاره می‌گردد:

«لیانازوف حدود ۱۱۰۰ نفر را که اکثر آنها تبعه روسیه از باکو و لنکران هستند بکار گرفته است. غیر از اینها ۳۵۰ نفر در انزلی و بقیه به موازات سفید رود که در آن سگ‌ماهی صید می‌شود و به موازات ساحل دریا بکار گماشته شده‌اند. در انزلی، تأسیسات کاملاً روسی است، که در آن کشتی‌سازان، آهن‌گران، دستکش و چکمه‌دوزان بکار مشغولند و کلبه‌هایی برای خواب افراد دیده می‌شود و خانه‌های چوبی که در آستاراخان درست شده و برای سوار کردن وارد اینجا می‌شود برای راحتی کارکنان ایجاد شده است» (عیسوی، ۱۳۶۹، ص ۳۹۴).

دریای خزر و تعدد رودخانه‌های آب شیرین در سواحل آن باعث گردیده که از گذشته‌های دور صید و صیادی مورد توجه اهالی منطقه قرار گیرد و به عنوان یکی از منابع اقتصادی مردم



ساحلی از اهمیت زیادی برخوردار شود. جرج. ن. کرزن در زمینه صید ماهی در سواحل شمالی می‌نویسد: «در دهانه اغلب رودخانه‌ها به خصوص سفیدرود و در آبهای کم عمق دریا از هر قبیل ماهی مانند استروژن، ماهی آزاد، ماهی سفید و قزل‌آلا یافت می‌شود. در دهانه سفیدرود گاهی روزانه در وسط فصل چهارهزار ماهی صید شده است و در جاهای کم‌عمق دریا درازلی نیز ۳۰۰/۰۰۰ ماهی در یک روز صید کرده‌اند» (کرزن، ۱۳۷۳، ج ۱، ص ۴۸۸).

به هرحال ویژگی‌های مناطق ساحلی بحرخر در زمینه صیادی، سبب شد که این امر صیادان روسی را به خود جذب نماید. هر چند مردم مناطق مختلف ساحلی در آغاز و پیش از مطرح شدن لیانازوف‌ها توجه چندانی به ماهیان خاویاری و نیز سگ‌ماهی به‌خاطر مسایل شرعی نداشتند. اما وقتی متوجه شدند که ماهیان خاویاری و سگ‌ماهی طرفداران زیادی در روسیه و اروپا دارد، در این زمینه تلاش گسترده‌ای انجام دادند.

### پیمادهای واگذاری قرارداد شیلات شمال به لیانازوف‌ها

با ورود لیانازوف‌ها به صحنه شیلات شمال و واگذاری امتیاز شیلات و حق گرفتن ماهیان حلال و حرام به آنها در سراسر سواحل دریای خزر و رودخانه‌های آن، روندی بر منطقه حاکم‌گردید که تأثیرات و پیامدهای منفی زیادی برای اهالی و دست‌اندرکاران شیلات در پی داشت. از طرف دیگر اوضاع بحرانی و بغرنج دولت مرکزی ایران از لحاظ مالی، سبب گردید که از این منابع ملی و خدادادی به خوبی استفاده نشود. اسناد و مدارک زیادی وجود دارد که حکایت از فشار از ناحیه لیانازوف‌ها بر مردم است. به نمونه‌هایی از این اسناد که بازگوکننده وضعیت اسفبار برخورد لیانازوف‌ها و عمال آنان بر مردم است اشاره می‌گردد. البته بسیاری از درگیری‌ها و اصطکاک‌ها به خاطر عدم اطلاع و توجیه اهالی، نسب به متن قرارداد لیانازوف بود؛ این مسئله حتی در مورد کارگزاران و حاکمان برخی مناطق، صدق می‌کند. به طوری که درنامه‌ها و گزارش‌های ارسالی از سوی آنها به مرکز، کاملاً پیداست که اطلاع چندانی از قراردادها و محتوای آنها نداشتند.

از آنجایی که صید ماهی حرام و حلال در شمال سواحل دریای خزر و رودخانه‌های آن به لیانازوف‌ها واگذار گردیده بود. لذا آنها این حق را داشتند که در داخل رودخانه‌ها به صید ماهی بپردازند. در سال ۱۳۲۲ ق. / ۱۹۰۴ م.، مردم شهر بارفروش در رودخانه بابل‌رود که به صید ماهی می‌پرداختند؛ عمال و گماشتگان لیانازوف‌ها، بندها و سدهایی را که اهالی در رودخانه جهت صید ماهی بستند، خراب کردند. بدنبال این اقدام وابستگان لیانازوف‌ها، سر و سدهای زیادی از سوی اهالی از جمله صیادان، مالاها و ملاکین بلند شد. در نتیجه نامه‌های اعتراض آمیزی از مردم و کارگزاری خارجه مازندران به وزارت امور خارجه رفت. بدین منظور در تاریخ صفر ۱۳۲۲



ق. / ۱۹۰۴ م. از کارگزاری خارجه مازندران نوشته‌ای جهت تعیین تکلیف به وزارت امور خارجه در دوران وزارت نصراله مشیرالدوله ارسال گردید. در ذیل به قسمتی از آن اشاره می‌شود:

«کارگزاری مهمام خارج مازندران مورخه شهر صفرالمظفر ۱۳۲۲

در باب صید ماهی حلال و حرام که لیانازوف‌ها در بعضی جاها که سابقاً معمول نبوده حالا از هر قسم ماهی صید می‌نمایند. تلگرافاً به معرفی حضور مبارک می‌رسانند... به عرض می‌رساند که عامل لیانازوف‌ها به همراهی اَکْنَطُ [وابسته سفارت روس] در چند نقطه که در هیچ نهمان معمولی نبوده و دخالت نمی‌کرده این اوقات عملجات گذاشته ماهی حلال و حرام صید ماهی می‌نماید از جمله در کنار رودخانه بابل که غرب بارفروش است قریب سه فرسخ به دریا مسافت دارد، مانع از بستن بند و گرفتن ماهی... شده است. به این جهت اهالی شهر از ملاها و ملاکین... و رعیت بهیچان آمده و سخت مذاکره می‌نمایند که لیانازوف‌ها در هیچ نهمان حق دخالت در این کناره رودخانه نداشته و ندارد. از حکومت اظهار شده که لیانازوف قرار نامه دوستی در دست دارد، ارایه بدهد که حدود و سامان معین شده... ساکت باشند...» (استادوخ: ۱۹-۳-۱۳۲۲ ق.).

در تاریخ ۲۹ ربیع‌الاول ۱۳۲۳ ق. / ۱۹۰۵ م.، تجار و عموم اهالی بارفروش عرض حالی در خصوص اقدامات عمال لیانازوف‌ها با مضمون ذیل به وزارت امور خارجه (به ریاست نصراله مشیرالدوله) می‌نویسند و خواستار اقداماتی از سوی دولت مرکزی در این زمینه می‌شوند:

«عرضه حال تجار و عموم اطباق بارفروش [خطاب به مشیرالدوله]

... این ایام [عمال لیانازوف‌ها] از بحرخرز تجاوز کرده دست تطاول به نهرهای صغیر و کبیر که وارد بحرخرز می‌شود دراز کرده و می‌گویند از گنبد قابوس تا تنکابن و کلاردشت هر نهری که در مازندران است، خواه کوچک باشد و خواه بزرگ هر جا ماهی یافت شود، از حلال و حرام از ابتدای آن رودخانه و شهر الی دریا داخل در امتیاز رود های من است و کسی حق ماهی گرفتن را ندارد...» (استادوخ: ۲۱-۲-۱۳۲۳ ق.).

در تاریخ ربیع‌الاول سال ۱۳۲۳ ق. / ۱۹۰۵ م.، از کارگزاری مازندران نوشته‌ای در خصوص اقدام وابستگان و عاملین لیانازوف‌ها در بارفروش نسبت به اهالی صیاد، به وزارت امور خارجه ارسال گردید. در این نوشته اشاره شده که به وابستگان تجاری کنسول روسیه و عاملین لیانازوف تاکید شد که با اهالی و صیادان منطقه رفتار مناسبی داشته باشند و سخت‌گیری نکنند. اما لیانازوف‌ها توجه‌ای به این مسئله ندارند (استادوخ: ۲۶-۲۱-۲-۱۳۲۳ ق.). در آن زمان به خصوص از سال ۱۳۲۲ ق. / ۱۹۰۴ م. بنا به گفته لیانازوف، حق امتیاز گرفتن ماهی حلال را در رودخانه بابل با توجه به اختیاری که بر طبق قرارداد شیلات داشته به اعظام السلطنه حاکم مشهدسر واگذار کرده بود (استادوخ: ۱۳-۱۰-۱۳۲۳ ق.). به هر حال به نظر می‌رسد که فشارها



و محدودیت‌ها در زمینه ماهی‌گیری بر مردم سنگینی می‌کرده که نامه‌ها و گزارش‌های فراوانی از سوی کارگزاری خارجه مازندران و مردم منطقه بارفروش به وزارت امور خارجه رفته است. گزارش زیر از کارگزاری مازندران به وزیر امور خارجه خود گویای این مسئله است:

«کارگزاری مازندران

مورخه هشتم شهر صفرالمظفر ۱۳۲۳ ۱۹۰۵ [م.]

در خصوص منازعه میان اهالی مازندران با لیانازوف... اینکه لیانازوف در نزدیکی بارفروش که رودخانه بابل واقع است؛ هر قسم ماهی گرفته خشک کرده حمل به خارج می‌نماید؛ از این جهت ماهی‌گران شده ... مردم معترض شده‌اند و مدتی است گوسفند نمی‌کشند و اهل شهر گوشت ندارند.» (استادوخ: ۲۱-۲-۱۳۲۳ ق.۰).

بدنبال نامه‌ها و گزارش‌ها و عرض حال‌های مردم بارفروش و کارگزاری مازندران به وزارت امور خارجه ( وزیر امور خارجه ) و درخواست از لیانازوف در خصوص مشخص کردن وضعیت شیلات منطقه، و اوضاع بوجود آمده، لیانازوف عریضه‌ای را در سال ۱۳۲۳ ق. / ۱۹۰۵ م.، برای وزیر امور خارجه وقت (مشیرالدوله) می‌نویسد و وقایع بوجود آمده را شرح می‌دهد. در این نوشته لیانازوف اظهار می‌دارد که اقدامات اهالی و صیادان بارفروش از روی اشتباه کاری بوده و مقرون به صحت نمی‌باشد. علاوه بر این تاکید می‌ورزد، با اطلاع به رئیس گمرک‌خانه مشهدسر و اعظام السلطنه حکمران بندر مشهدسر عاملین وی برای تسهیل در امر حمل‌ونقل در رودخانه بابل به یک سری اقداماتی دست زدند که بر طبق قرارداد شیلات بوده است (استادوخ: ۱-۲۱-۲-۱۳۲۳ ق.۰).

درگیری و اختلافات بر سر شیلات و صید ماهی تنها در بارفروش نبوده بلکه در سراسر سواحل بحر خزر و رودخانه‌های آن از آستارا تا اترک وجود داشت. در تاریخ ۲۷ صفر ۱۳۲۳ ق. / ۱۹۰۵ م.، گزارشی از کارگزاری خارجه استرآباد در خصوص اعتراض طایفه ترکمن جعفریای «ساکن خواجه نفس نسبت به قطعه زمینی که متعلق به طایفه مذکور بوده و عاملین لیانازوف آن را محل و اطاقه خود قرارداده و در آن جا ابنیه احداث نموده بودند» به وزارت خارجه ارسال شد. لازم به ذکر است که طایفه ترکمن جعفریای آن قطعه زمین را ملک آبا و اجدادی خود می‌دانسته و سال‌ها در دست این طایفه بود. رئیس شیلات (لیانازوف) آن را محل صیدگاه خود قرارداده بود، که این اقدام منجر به شکایت و عکس‌العمل از سوی طایفه مذکور گردید (استادوخ: ۲۱-۲-۱۳۲۳ ق.۰). مشابه چنین تعرضی را از سوی عاملین لیانازوف‌ها در حسن‌کیاده گیلان داشتیم. در حسن‌کیاده گماشتگان لیانازوف مقداری اراضی آنجا را جهت تأسیسات خود تصرف کرده بودند که منجر به اعتراض اهالی گردید. به تبع آن چند نفر از مردم آنجا به رشت فرار کردند؛ و نسبت به این اقدام عاملین لیانازوف‌ها و اذیت و آزار آنها به کارگزاری گیلان



شکایت کردند (استادوخ: ۲۱-۲-۱۳۲۳ق.).

در سال ۱۳۲۳ق. / ۱۹۰۵م، عریضه‌ای از سوی صیادان ماهی اهالی انزلی به وزارت خارجه ارسال گردید. این عریضه در مورد صید و فروش ماهی سوف بوده است. صیادان از اینکه ماهی‌های صید شده را فقط باید به لیانازوف بفروشند، ناراحت بودند (استادوخ: ۲۱-۲-۱۳۲۳ق.). البته فشارهای عاملین لیانازوف‌ها و قیمت پائین ماهیان در این امر تأثیر داشته است.

در تاریخ ۲۴ ربیع‌الثانی ۱۳۲۳ق. / ۱۹۰۵م، از طرف وزارت امور خارجه نوشته‌ای به سفارت روسیه در خصوص شکایت نصرالسلطنه (محمودلی‌خان تنکابنی) نسبت به مداخله و تصرف هزار ذرع زمین در غازیان توسط لیانازوف و عاملین او بدون رضایت مالک آن (نصرالسلطنه)، ارسال گردید (استادوخ: ۲۱-۲-۱۳۲۳ق.). وزارت امور خارجه بعد از این اقدام نوشته‌ای را برای نصرالسلطنه ارسال کرد و او را مطلع ساخت. سند این نوشته در ذیل آمده است:

«سوادکاغذ وزارت خارجه به نصرالسلطنه سردار معظم

۱۸ شهر ربیع‌الثانی ۱۳۲۳ ۱۹۰۵ [م.]

راجع به قرارداد لیانازوف و اقدامات مباشرین صید ماهی در اراضی غازیان از آنچه در رقمیه جناب مستطاب عالی مرقوم رفته بوده مستحضر شده و به سفارت روس، بطوری که لازم بوده مراتب رسماً نوشته شده است. از نتیجه امر بعد از وصول جواب خاطر محترم عالی را مطلع خواهد نمود (نصراله مشیرالدوله)» (استادوخ: ۲۱-۲-۱۳۲۳ق.).

بعد از این سفارت روسیه طی یک یادداشتی در تاریخ ۲۸ جمادی‌الاولی ۱۳۲۳ق. / ۱۹۰۵م، به وزارت امور خارجه اعلام می‌دارد که مطابق فصل چهارم امتیازنامه (قرارداد) شیلات شمال با لیانازوف، دولت ایران متعهد شده است، هرگاه اراضی برای ساختن بناها و تأسیسات لازم باشد، در اختیار مستاجرین قرار دهد و دریغ نکند. علاوه بر این سفارت روسیه در نوشته مذکور تأکید می‌کند که به موجب نوشته ۱۸۹۵م. / ۱۳۱۳ق.، جناب بیگلریگی سالار افخم که صاحب منصب دیوانی آنجا (غازیان) و خود را مالک آن اراضی می‌دانست، می‌بایست اراضی مزبور را بدون شرط و اخذ وجهی تا مدت انقضای اجاره شیلات در اختیار لیانازوف‌ها قرار دهد (استادوخ: ۲۱-۲-۱۳۲۳ق.).

به هر صورت اعتراضات و شکوایه‌های زیادی به خصوص از سال ۱۳۲۰ ق. / ۱۹۰۲م. به بعد نسبت به عملکردهای لیانازوف‌ها و عمال آنها از سوی مردم و اهالی مناطق بحرخر برخاست. همه آنها ناشی از تاثیر و نقش شیلات در عرصه اقتصادی مردم مناطق مذکور است. این جریان اعتراض‌آمیز در شرق دریای خزر و در مناطق مانند خواجه‌نفس بیشتر ملموس بود و عکس‌العمل‌ها و پیامدهای منفی را بدنبال خود داشت. برخی از اقوام ترکمن





شرق دریای خزر از گذشته‌های دور از طریق صیادی امرار معاش می‌کردند و حتی در تجارت ماهیان حلال و حرام فعالیت زیادی داشته‌اند. از زمان واگذاری امتیاز شیلات به لیانازوف‌ها و حق بهره‌برداری از هرگونه ماهیان به آنها در تمام مناطق ساحلی و رودخانه‌های آن، وضعیت دشوار و بغرنجی را برای اهالی بوجود آورد؛ که حتی منجر به درگیری و کشت و کشتار گردید (مانند شورش ماهی‌گیران گمش تپه) ۱۳ (استادوخ: ۱۴-۷-۱۳۲۵ق.). اسناد زیادی در این زمینه وجود دارد که بازگوکننده اوضاع نابهنجار شیلات شرق دریای خزر بعد از واگذاری امتیاز آن به لیانازوف‌ها و به ویژه میان سال‌های ۱۳۲۳ ق. تا ۱۳۲۸ق. / ۱۹۰۵-۱۹۰۹م. است (استادوخ: ۲۴-۱۴-۵-۱۳۲۵ق.). حتی در این راستا دولت روسیه به پشتیبانی از لیانازوف‌ها از نیروی نظامی قزاق‌ها استفاده می‌کرد. نظیر ماجرای تحصن سه‌هزار نفر ماهیگیران انزلی در تلگراف‌خانه انزلی علیه لیانازوف‌ها که سرانجام تهدید نظامی دولت روسیه به حمایت از لیانازوف‌ها منجر به عقب‌نشینی دولت ایران و صیادان گردید.

در تاریخ هشتم محرم ۱۳۲۵ق. / ۱۹۰۷م.، تلگرافی از کارگزاری استرآباد به طهران ارسال گردید. محتوای این تلگراف در مورد اعتراض ترکمن‌ها به ویژه طایفه‌ی جعفریای نسبت به اقدامات و محدودیت‌های لیانازوف‌ها و عاملین آنها در مورد صید ماهی در سواحل و رودخانه‌هایی نظیر رودخانه‌گرگان است ۱۴ (استادوخ: ۱۴-۷-۱۳۲۵ق.). در قرارداد شیلات با لیانازوف اشاره شده که عاملین وی، در هر نقطه‌ای خواستند برای عمل صیادی بنا احداث کنند، نباید ممانعتی صورت گیرد. علاوه بر این از طرف حکام محلی همه نوع تقویت و همراهی انجام شود. در این رابطه لیانازوف‌ها در شرق دریای خزر و در استرآباد و مناطقی مانند قره‌سو، ملاکلا و کردمحلله قصد احداث بناهایی نظیر پل و یا مکان‌هایی را برای تأسیسات شیلات داشتند و در جهت پیشبرد کارشان اقداماتی را انجام دادند. این مسئله منجر به اعتراض اهالی گردید ۱۵ (استادوخ: ۱۱۱-۴۹-۱-۱۳۲۵ق.).

به هرروی اعتراضات زیادی علیه لیانازوف‌ها و گماشتگان آنها در زمینه صید انواع ماهی از سوی اهالی کرانه‌های دریای خزر از آستارا تا استرآباد برخاسته شد. اسناد فراوانی در این مورد در دست است که حکایت از اوضاع نابسامان زندگی اقتصادی و وابستگی آنها در ارتباط با صید و صیادی است که به برخی از آنها اشاره شده است (استادوخ: ۱۴-۵-۱۳۲۵ق.).

دولت مرکزی با توجه فشارهای وارده بر مردم از ناحیه مستاجران (لیانازوف‌ها) بارها قصد داشت که قرارداد شیلات را فسخ نماید. اما به دلیل خالی بودن خزانه دولت و عدم توان پرداخت حق فسخ از یک طرف و از طرف دیگر حمایت شدید دولت روسیه از مستاجران باعث گردیده که دولت ایران هیچ‌گاه نتواند به چنین اقدامی دست زند. در سال ۱۳۲۳ق. / ۱۹۰۵م.، از سوی سفارت روسیه نوشته‌ای به وزارت امور خارجه (نصراله مشیرالدوله) در ارتباط با درخواست



ایران مبنی بر فسخ قرارداد شیلات با لیانازوفها ارسال گردید. در این نوشته تاکید شد که مطابق با اصل عالی مندرجات فصل ۶ قرارداد شیلات هر یک از طرفین بخواهند این معامله را قبل از انقضای مدت این کنتراست فسخ و باطل سازند باید مبلغ ششصد هزار فرانک (۶۰۰/۰۰۰ فرانک) به عنوان وجه خسارت به طرف مقابل بپردازد. علاوه بر این سفارت روس در این نوشته تاکید کرد که فسخ آن قبل از انقضای قرارداد غیر ممکن است (استادوخ: ۲۱-۲-۱۳۲۳ ق.۰). در مجموع می‌توان گفت که شیلات نه تنها برای دولتمردان بلکه حتی برای آندسته از مردمانی که شغل آنها صیادی بوده و از این طریق امرار معاش می‌کردند، نقش حیاتی داشته است. علاوه بر این نقش مهمی را در تجارت ایران و روسیه بازی می‌کرد و صاحبان امتیاز آن سود هنگفتی از طریق تجارت آن به جیب زده‌اند. پس از پیروزی مشروطه‌خواهان در جریان انقلاب مشروطه و بعد از آن انقلابیون ایرانی از ترور و مخالفت علیه ماهی‌گیری، افراط در ماهی‌گیری، آلوده کردن آب رودخانه‌ها و نیز توسعهٔ مرداب انزلی کوتاهی نمی‌کردند (انتز، ۱۳۶۹، ص ۱۲۴). به‌طور کل همواره برخوردها و درگیری‌ها میان مستاجران شیلات با دولت اهالی تا زمان انقضای قرارداد وجود داشت.

## نتیجه

دریای خزر همواره در طول تاریخ هم از حیث ارتباطی (پل ارتباطی) و هم از نظر اقتصادی، تاثیر عمیقی بر اقوام و ملت‌های منطقه و فرا منطقه داشته است. وجود ذخایر عظیم نفت و آبیان موجود در آن موقعیت ژئوپلیتیکی و ژئواکونومی ممتازی را برای این دریا خلق کرده است. شیلات شمال ایران در عصر قاجار بیش از پیش مورد توجه قرار گرفت و جایگاه ویژه‌ای در مناسبات ایران و روسیه داشت. یکی از اقلام صادراتی ایران از طریق دریای خزر انواع ماهیان به ویژه ماهیان خاویاری و خاویار بوده است که به روسیه و اروپا صادر می‌گردید. از آنجایی که عمیق‌ترین قسمت دریای خزر در سواحل ایران است؛ و نیز به واسطه تعدد رودخانه‌های آب شیرین که به این دریا می‌ریزد و نیز به دلیل آب و هوای معتدل آن، صید ماهی در این قسمت نسبت به دیگر مناطق از امتیاز خوبی برخوردار بود، به طوری که بیشترین ماهی در نواحی ایران (کرانه جنوبی دریای خزر) صید می‌شد.

تا زمان واگذاری شیلات شمال به میرزا حسین‌خان سپهسالار، شیلات شمال وضعیت ناهمگون و ناپایداری داشت. هرچند صدراعظم‌های عصر قاجار نظیر میرزا آقاسی، میرزا حسین‌خان سپهسالار، میرزا تقی‌خان امیرکبیر و میرزا آقاخان نوری در تنظیم، تنسیق و ثبات شیلات گام‌های مثبتی برداشتند. در قراردادهایی که میان مستاجران با دولتمردان قاجار منعقد می‌شد، حضور روس‌ها نمود بیشتری داشت. این امر ناشی از این واقعیت بود که روس‌ها



وسایل و امکانات صیادی بیشتری داشتند. چراکه خود سازنده و تولیدکننده آن بودند. از طرف دیگر میزان اجاره آنها از مستاجران ایرانی بالاتر بود. میرزا حسین خان سپهسالار در تنظیم و تنسيق شیلات شمال تلاش وسیعی را انجام داد. بعد از واگذاری شیلات به او، قراردادی را با استپان لیانازوف و شرکایش امضا کرد و شیلات شمال را در اختیار آنها قرارداد. بعد از برکناری میرزا حسین خان سپهسالار، ناصرالدین شاه آن را به پسرش کامران میرزا سپرد و او هم آن را طی قراردادی به استپان لیانازوف واگذار کرد. این امتیاز از زمان واگذاری آن به لیانازفها تا خاتمه آن و سرانجام واگذاری آن به شوروی بارها تمدید شد. در طی این مدت دولتمردان روسیه حمایت همه جانبه‌ای از مستاجران خود داشتند.

با ورود لیانازوفها به صحنه شیلات شمال و واگذاری امتیاز شیلات و حق گرفتن ماهیان حلال و حرام به آنها در سراسر سواحل دریای خزر و رودخانه‌های آن، روندی بر منطقه حاکم گردید که تأثیرات و پیامدهای منفی زیادی برای اهالی و دست‌اندرکاران شیلات در پی داشت. از طرف دیگر اوضاع بحرانی و بغرنج دولت مرکزی ایران از لحاظ مالی سبب گردیده که از این منابع ملی و خدادادی به خوبی استفاده نشود. بسیاری از برخوردها و تصادمات ناشی از عدم اطلاع و توجیه اهالی نسب به متن قرارداد لیانازوف بود. این مهم حتی در مورد کارگزاران و حاکمان برخی مناطق مصداق داشت. بطوری که از نامه‌ها و گزارش‌ها ارسالی از سوی آنها به مرکز، پیداست اطلاع چندانی از قراردادها و محتوای آنها نداشتند. به هر روی شیلات شمال هم برای دولتمردان وهم برای آن دسته از مردمانی که شغل آنها صیادی بوده و از این راه امرار معاش می‌کردند، نقش حیاتی داشته است. اگر دولتمردان و دست‌اندرکاران به جای تکیه بر مستاجران و امتیازداران روسی، به فکر ایجاد تشکیلات منظم و منسجم شیلات شمال می‌افتادند، شاهد چنین سردرگمی و نابسامانی نبودیم. علیرغم تنگناهای موجود بر سر راه این تحقیق، اسناد و مدارک این پژوهش ویافته‌های موجود در آن به خوبی توانسته است، شیلات شمال و روند حاکم و پیامدهای آن را، توصیف، تحلیل و استنتاج کند.

### پی‌نوشت‌ها

۱- سند وجه اجاره شیل‌گرگنرود توسط کافتانیکوف در سال ۱۲۵۲ ق. و سند نوشته محرم سال ۱۲۵۲ ق. نامه‌حاجی میرزا آقاسی به وزیرمختار روسی، در خصوص مستاجرانی که بدون اجازه دولت شیلات را اجاره می‌کردند، و سند تاریخ صفر سال ۱۲۵۳ ق گزارش به مسعودمیرزا وزیر امور خارجه در خصوص صید ماهی رودخانه سفیدرود که امتیاز آن در اختیار میرابوطالب بود و سند سوم صفر ۱۲۵۳، گزارش به مسعودمیرزا وزیر امور خارجه در خصوص شکایات اهالی مازندران نسبت به خواجه طورنام تاجر هشرخان است.



- ۲- سند صفر ۱۲۵۳، در خصوص اجاره شیلات سفیدرودگیلان، به میرابوطالب است.
- ۳- سند تاریخ ۲۲ رمضان ۱۲۵۱، نامهٔ غراف ایوان سیمویچ وزیر مختار روسیه به وزیر امور خارجه ایران است.
- ۴- سند ۱۲۵۲ هجری قمری، در خصوص جواب‌نامه غراف ایوان سیمویچ است.
- ۵- سند جمادی‌الثانی ۱۲۵۳ هجری قمری در خصوص رفع اختلاف میرابوطالب و سوجایوف است.
- ۶- اسناد مربوط به العای امتیاز شیلات شمال متعلق به لیانازوف و جلوگیری از تصرفات او و اسناد مربوط به مداخله ادارات مالیه در دخل و تصرف اموال لیانازوف است.
- ۷- اسناد در خصوص اقدامات لازم جهت رسیدگی به دعاوی وراث لیانازوف و جلوگیری از تصرفات او است.
- ۸- سند تاریخ ۲۷ شهرصفر ۱۳۲۳ قمری، از کارگزاری خارج استرآباد به وزارت خارجه در خصوص شکایت طایفه جعفربای خواجه‌نفس است.
- ۹- سند ۲۳ ربیع‌الاول ۱۳۲۳ هجری قمری، در مورد تلگراف از رشت به طهران به وزیر امور خارجه در خصوص اعتراض اهالی حسن‌کیاده نسبت به عاملین لیانازوف می‌باشد.
- ۱۰- سند نوشته و عریضه صیادان ماهی اهالی انزلی به وزارت خارجه است.
- ۱۱- سند تاریخ ۲۴ ربیع‌الثانی ۱۳۲۳ هجری قمری، در خصوص مراسله وزارت امور خارجه به سفارت روس در ارتباط با شکایت نصرالسلطنه است.
- ۱۲- این سند، سند تاریخ ۲۸ جمادی‌الاول ۱۳۲۳ هجری قمری، در خصوص یادداشت سفارت روس به وزارت خارجه در مورد شکایت نصرالسلطنه به وزارت امور خارجه از لیانازوف‌ها است.
- ۱۳- سندهای شماره ۲۹ و ۳۰ و ۳۱.
- ۱۴- همان، سندهای شماره ۱۵ و ۱۶.
- ۱۵- سندهای شماره ۷۴ و ۷۶ و ۹۰.
- ۱۶- این سند نوشته سفارت دولت روسیه به وزارت امور خارجه ایران در خصوص فسخ کتبرات شیلات لیانازوف است.

### منابع:

- ۱- اسناد اداره اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه ایران.
- ۲- اسناد سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران.
- ۳- آدمیت، فریدون (۱۳۴۸). *امیرکبیر و ایران*. تهران: خوارزمی.
- ۴- انتنر، مروین ل (۱۳۶۹). *روابط بازرگانی ایران و روس (۱۸۲۸-۱۹۱۴ م)*. (احمد توکلی، مترجم). تهران: موقوفات دکتر محمود افشار یزدی.
- ۵- بریمانی، احمد (۱۳۲۶). *دریای خزر یا دریای مازندران*. تهران: چاپخانه رنگین.



- ۶- بهرامی، تقی (۱۳۳۰). تاریخ کشاورزی ایران. تهران: دانشگاه تهران.
- ۷- تیموری، ابراهیم (۱۳۳۲). عصر بی‌خبری (تاریخ امتیازات در ایران). تهران: اقبال.
- ۸- رایینو، هل (۱۳۶۶). ولایات دارالمرز ایران، گیلان. (جعفر خمایی زاده، مترجم). رشت: طاعتی.
- ۹- رائین، اسماعیل (۱۳۵۰). دریانوردی ایرانیان (از عصر استعمار تا امروز). تهران: چاپخانه سکه، جلد ۲.
- ۱۰- عیسوی، چارلز (۱۳۶۹). تاریخ اقتصادی ایران در عصر قاجار (۱۸۰۰-۱۹۱۴ م.). (یعقوب آژند، مترجم). تهران: نشر گستره.
- ۱۱- قاضیها، فاطمه (۱۳۸۰). اسناد روابط ایران و روسیه در دوران فتحعلی شاه و محمد شاه قاجار (۱۲۴۰-۱۲۶۳ ق/۱۸۲۴-۱۸۴۷ م.). تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، جلد ۱.
- ۱۲- قاضیها، فاطمه (۱۳۸۰). اسناد روابط ایران و روسیه در دوره ناصرالدین شاه تا سقوط قاجاریه (۱۲۶۷-۱۳۴۴ ق./ ۱۸۵۱-۱۹۲۵ م.). تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، جلد ۲.
- ۱۳- کرزن، جرج. ن. (۱۳۷۳). ایران و قضیه ایران. (غلامعلی وحیدمازندرانی، مترجم). تهران: علمی و فرهنگی.
- ۱۴- گمنام (بی تا). نگاهی گذرا به تاریخچه شیلات در دریای خزر، «مجله بندرو دریا». بی جا، بی تا، شماره ۲۹.
- ۱۵- لیتن، ویلهلم (۱۳۶۷). ایران از نفوذ مسالمت‌آمیز تا تحت‌الحمایگی. (مریم میراحمدی، مترجم). تهران: معین.
- ۱۶- معین، محمد (۱۳۸۲). فرهنگ فارسی. تهران: انتشارات بهزاد، جلد ۲.
- ۱۷- مفخم پایان، لطف الله (۱۳۷۵). دریای خزر. (جعفر خمایی زاده، مترجم). رشت: هدایت.

